

## The Marvi Madrasa and its Developments During the Qajar Period

**Maryam Heydarkhani, PhD**

Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

**Zahra Ahari, PhD** 

Associate Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Received: May 23, 2021

Accepted: August 16, 2021

(Pages: 105-123)

**Heydarkhani, M., and Ahari, Z. 2023.** The Marvi Madrasa and its Developments During the Qajar Period. *Soffeh*. 103 (4): 105-123.

**DOI:** [10.48308/SOFFEH.2023.222092.1039](https://doi.org/10.48308/SOFFEH.2023.222092.1039)

### Abstract:

Marvi Madrasa was one of the most important madrasas in the Qajar period built by Mohammad Hossein Khan-e Marvi, a high-ranking person in the Fath-Ali Shah court, in a period of the rising importance of educational and religious institutions in tandem with the rising influence of religious scholars (Ulama). The purpose of this paper is to study the spaces and activities of the madrasa at its beginning as an educational institution, and its subsequent changes due its changing social status during the Qajar. Employing a historical method, primary sources, especially endowments, and Qajarid maps have been studied, and exploring the physical composition of the madrasa, its changes have been interpreted. From its beginning, the madrasa contained spaces of various functions such as mosque, bathhouse, icehouse, and elementary school

### Keywords:

Marvi madrasa, Architecture of Qajarid madrasas, Activities in madrasas, Social role of madrasas, Mosque and madrasa, Mosque-madrasa.



SOFFEH

Soffeh Journal, Shahid Beheshti University, Vol. 33, Issue 4, No. 103, 2024

 ISSN: 1683-870X

\*. Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

\*. CorresPonding Author: Email Address. [zahraahari@gmail.com](mailto:zahraahari@gmail.com)  
<http://dx.doi.org/10.48308/SOFFEH.2023.222092.1039>

(maktabkhana), built for education and everyday life of the students (talabas). In a short time, the madrasa became a first-rated educational centre in Tehran. By building a bazaar and transforming its path to a 'street', the madrasa found its local and urban center, and the setting was prepared for its spatial expansion. The expansion of the 'mosque' was a turning point in the life of the madrasa. Located besides the 'madrasa' it became the main space. Public religious activities became significant and the madrasa became a powerful socio-religious centre. With spatial developments around the madrasa and the change of social and political situation, the madrasa found an important role in the Constitutional events and the madrasa became a point of contention between the government and the ulama over its tutelage. At the end of the Qajar period, and with the spread of intellectual views and new schools, the madrasa declined and its spatial scope changed. During this period, the spaces, activities, people, and social role of the madrasa underwent changes, and despite the 'madrasa' being initially the main space of the complex, at the end of the Qajar period, it was the combination of the 'mosque' and the 'madrasa' that formed the life of the complex.

# مدرسه مروی و دگرگونی‌های آن در دوره قاجاریه<sup>۱</sup>

مریم حیدر خانی<sup>۲</sup>

زهرا اهری<sup>۳</sup>

دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

دریافت: ۲ خرداد ۱۴۰۰  
پذیرش: ۲۵ مرداد ۱۴۰۰  
(صفحه ۱۰۵-۱۲۳)

حیدر خانی، م.، ز. اهری، ۱۴۰۲. مدرسه مروی و دگرگونی‌های آن در دوره قاجاریه. فصلنامه علمی معماری و شهرسازی ص. ۱۰۳-۱۰۴ (۴): ۱۰۵-۱۲۳.

کلیدواژگان: مدرسه مروی، معماری مدارس دوره قاجاریه، فعالیت‌ها در مدارس، نقش اجتماعی مدارس، مسجد و مدرسه، مسجد - مدرسه.

## چکیده

مدرسه مروی از مهم‌ترین مدارس تهران در دوره قاجاریه بود، که محمدحسین خان مروی، از مقربان دربار فتحعلی‌شاه، آن را در دوره‌ای ساخت، که با افزایش نفوذ علمای مذهبی بر اهمیت مدارس در نقش نهادی آموزشی و مذهبی افزوده شد. هدف از این مقاله شناخت فضاهای و فعالیت‌های مدرسه در بدو ایجادش در نقش نهادی آموزشی و دگرگونی‌های آن در اثر تغییر نقش اجتماعی‌اش در طول دوره قاجاریه در رابطه‌ای دوسویه است. در این مقاله با راهبردی تاریخی، منابع درجه اول، به‌ویژه وقف‌نامه‌ها و نقشه‌های دوره قاجاریه، بررسی و ضمن شناسایی ترکیب کالبدی مدرسه دگرگونی‌های آن تحلیل و تفسیر شده است.

این مدرسه از ابتدا شامل فضاهایی با کارکردهای گوناگون از جمله مسجد، حمام، یخچال، و مکتب‌خانه بود و برای تحصیل و زندگی طلاب ساخته شد. مدرسه در مدت کوتاهی به مرکز آموزشی تراز اول تهران تبدیل شد. با ساخت بازارچه مروی و تبدیل شارع آن به «خیابان»، مدرسه مرکزی محلی و شهری یافت و زمینه گسترش فضایی آن فراهم شد. گسترش «مسجد» نقطه عطفی در حیات

مدرسه ایجاد کرد. مسجد در کنار مدرسه رکنی از فضاها شد؛ فعالیت‌های عمومی مذهبی اهمیت یافت و مدرسه مرکز مذهبی اجتماعی قدرتمندی شد. با تحولات فضایی اطراف مدرسه و تغییر وضعیت اجتماعی و سیاسی، مدرسه نقش مهمی در حوادث مشروطه یافت و محل منازعات حکومت و علما بر سر تولیت آن شد. مدرسه در اواخر دوره قاجاریه با گسترش دیدگاه‌های روشنفکری و رواج مدارس جدید، همچون دیگر مدارس آموزش مدرسی، کم‌رونق شد و پهنه فضایی آن تغییر کرد. در طول این دوره فضاها، فعالیت‌ها، افراد، و نقش اجتماعی مدرسه در روابط متقابل با یکدیگر دگرگون شد و گرچه در ابتدا «مدرسه»، با وجود داشتن مسجد، فضای اصلی مجموعه بود، در انتهای دوره قاجاریه ترکیب «مسجد» و «مدرسه» بود که موجودیت مجموعه را شکل می‌داد.

## مقدمه

مدارس به‌خصوص از اواخر دوره صفویه از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی و سیاسی بود که تحت نظر عالمان دینی اداره می‌شد. مدارس فقط محلی برای استقرار نهاد دین و تحصیل نبود؛ بلکه

۱. مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول است با عنوان «معماری مدارس قاجاری، با تکیه بر پیوند کالبد و زندگی» که با راهنمایی نویسنده دوم و دکتر مهرداد قیومی بیدهندی در تاریخ بهمن‌ماه سال ۱۴۰۱ در دانشگاه شهید بهشتی، دانشکده معماری و شهرسازی دفاع شده است.

۲. دکتری معماری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران  
Heydarkhani.maryam@gmail.com

۳. نویسنده مسئول  
zahraahari@gmail.com



## پرسش‌های تحقیق

۱. مدرسهٔ مروی چه فضاهایی داشت و محل چه فعالیت‌هایی بود؟
۲. مدرسه در طول دورهٔ قاجاریه چه تغییراتی کرد؟
۳. در این دگرگونی‌ها چه نسبتی میان فضا، فعالیت‌ها، و نقش اجتماعی مدرسه برقرار بود؟

۴. نک: حامد قرانتی، «نقش اماکن مذهبی در گفتمان‌های اجتماعی و سیاسی دوره قاجار؛ بررسی موردی تهران»، اثر، ش. ۶۰ (زمستان ۱۳۹۳): ۱۷۱-۱۹۸؛ حسین آبدیان، «تحول مفاهیم شیعی در دوره قاجار»، *شبه‌شناسی*، ش. ۲۹ (بهار ۱۳۸۹): ۱۴۳-۱۹۲.

۵. مجید آژده، حوزه علمیه مروی و نقش آن در تاریخ معاصر (تهران: دانشگاه امام صادق<sup>(ع)</sup>، ۱۳۸۹).

۶. سیدسعید میرمحمدصادق، «مسجد و مدرسهٔ مروی»، مسجد، سال پنجم، ش. ۲۹ (۱۳۷۵): ۷۰-۸۳.

۷. نک: زینب اکبری و جواد نیستانی، معماری مدارس علوم دینی دوره قاجار شهر تهران (تهران: آرمان شهر، ۱۳۹۰)؛ کامبیز حاجی قاسمی (و)، گنجنامه فرهنگ آثار معماری اسلامی ایران، دفتر سوم: بناهای مذهبی تهران (تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۷)؛

Markus Ritter, "Moscheen und Madrasabauten", in *Iran*, Leiden: Brill, 2005, 1785-1848.

۸. بخشی از نخستین وقفنامهٔ مدرسه چاپ شده است (نک: رضا استادی، مصحح، «وقفنامهٔ مدرسهٔ مروی»، وقف میراث جاویدمان، ش. ۱۳ (بهار ۱۳۷۵): ۵۶-۷۱). در این تحقیق از رونوشت مفصل‌تر دیگری هم استفاده کرده‌ایم که شامل وقفنامهٔ اولیه (۱۲۳۱ق) و افزوده‌هایی به آن در دورهٔ متولیان بعدی (۱۲۷۱، ۱۲۷۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰ق) است (نک: جنگ وقفنامه‌های مدرسه

نقش مهمی در هدایت طبقات مختلف جامعه داشت. در دورهٔ قاجاریه، به‌خصوص با تثبیت برخی اندیشه‌های شیعی، چون نیابت امام و ضرورت تقلید، عالمان جایگاهی مهم یافتند و رابطهٔ میان علما و حکومت نسبت به دورهٔ صفویه دگرگون شد. به همین علت، نقش مدارس هم بسیار مهم و واسطه‌ای میان علما و مردم شد.<sup>۴</sup> در تهران، که از آغاز حکومت قاجاریان پایتخت شده بود، رویهٔ مشابهی جاری بود.

مدرسهٔ مروی، که محمدحسین‌خان مروی در زمان فتحعلی‌شاه آن را ساخت، از مهم‌ترین مدارس تهران در دورهٔ قاجاریه بود. مدرسه در طول این دوره موجودیتی ثابت نداشت و تغییرات بسیاری در وجوه مختلف آن به‌وجود آمد. در این مقاله بر آئیم تا مدرسه را از طریق فضاها و فعالیت‌های آنها و از ابتدای شکل‌گیری مدرسه شناسایی و نسبت آن را با حضور و اثر افراد مختلف و نقش اجتماعی و دگرگونی‌هایش در طول این دوره بررسی کنیم.

تا کنون در هیچ تحقیق مستقلی به مدرسه از منظر ذکرشده نپرداخته‌اند. مجید آژده در کتاب خود<sup>۵</sup> استادان و متولیان و اتفاقات تاریخی مدرسه را در هر دوره معرفی کرده؛ اما به معماری و تحولات آن و نسبتش با اتفاقات تاریخی و افراد در دورهٔ قاجاریه نپرداخته است. سعید میرمحمدصادق در مقاله‌ای<sup>۶</sup> علاوه بر معرفی مختصر متولیان و استادان و برخی وقایع تاریخی و وقفنامه از کالبد مدرسه، به توصیف عمومی وضع کنونی آن اکتفا کرده است. در بررسی‌های معماری مدارس<sup>۷</sup> نیز به ذکر ویژگی‌های کالبدی و فرمی اکتفا شده و به تحولات فضایی توجه نشده است.

در این مقاله، با راهبردی تاریخی و با تکیه بر منابع مکتوب و تصویری، تغییرات مدرسه را بررسی کرده‌ایم. مهم‌ترین منابع در این بررسی وقفنامه‌های به‌جامانده از مدرسه<sup>۸</sup> و نقشه‌های شهری تهران هستند، که به‌ویژه برای فهم تغییرات کالبدی و فعالیت‌ها در مدرسه به کار رفته‌اند. داده‌های به‌دست‌آمده از این منابع را با کالبد باقی‌مانده از مدرسه انطباق داده و مثلث‌بندی کرده‌ایم و با استفاده از منابع دیگر، مانند کتیبه‌ها، اسناد، و منابع مکتوب، تغییرات مدرسه را تحلیل و تفسیر کرده‌ایم.

این نوشتار شامل دو بخش است. در بخش نخست ضمن توصیف خصوصیات کالبدی مدرسه، به چگونگی شکل‌گیری مدرسه می‌پردازیم و

مروری). اصل این نسخه متعلق به کتابخانه مدرسه مروی است که جناب آقای شیخ‌الحکامی رونوشتی از آن را در اختیار بنده قرار دادند و از ایشان بسیار سپاسگزارم. این رونوشت کتابچه‌ای با ۷۵ برگ به خط نستعلیق است که با حمد و ستایش آغاز شده و با شعری از نویسنده وقف‌نامه اولیه اتمام یافته و وقف‌نامه‌های متولیان بعدی در صفحات میانی آن قرار گرفته است.

۹. همه تاریخ‌ها در متن مقاله و توضیحات ارجاعات هجری قمری است.  
۱۰. رضا استادی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه مروی طهران (تهران: کتابخانه مدرسه مروی، ۱۳۷۱)، ۴.  
۱۱. تلاوت‌کننده، درپی‌رونده. لغت‌نامه دهخدا، ذیل «تالی». در وقف‌نامه‌ها تالی به معنای نائب مناصب هم به کار رفته است.

۱۲. مستراح، بیت‌الخالأ. لغت‌نامه دهخدا، ذیل «مبرز».  
۱۳. استادی، «وقف‌نامه مدرسه مروی تهران»، ۵۹.

۱۴. محمدحسین مروی، «وقف‌نامه مدرسه مروی». در جنگ وقف‌نامه‌های مدرسه مروی، (تهران: کتابخانه مدرسه مروی).

۱۵. فضای کنج و گوشه صحن اصلی در وقف‌نامه با نام «زاویه» آمده است.

۱۶. در نقشه‌های شهری اولین ثبت مدرسه در نقشه کرشیش در سال ۱۲۷۵ است. وضعیت مدرسه در این نقشه با توضیحات وقف‌نامه‌ها همخوانی دارد و اطلاعات تکمیلی از سامان فضایی مدرسه را در اختیار قرار می‌دهد.

شخصی بانی ساخته شد. رکن اصلی فضاها مدرسه بزرگ بود که خود شامل حجره‌ها و مدرس‌ها، دو مسجد زمستانی و تابستانی، «مبرز»<sup>۱۲</sup>، مطبخ، انبار، «خلوت» یا کتابخانه، جلوخان، صحن، و ایوان‌ها بود. صحن مدرسه بزرگ سامان‌دهنده اصلی فضاها بود؛ صحنی «جان‌فزا» شامل چهار باغچه بزرگ و حوضی در میان آنها.<sup>۱۳</sup> سه مدرس در شمال و شرق و غرب صحن قرار داشت. مساجد در جنوب صحن قرار گرفته بود. برطبق توصیف وقف‌نامه و نقشه‌ها، مسجد زمستانی در محل شبستان فعلی قرار داشت و مسجد اصلی مدرسه بود؛ چراکه فضای محصور و احتمالاً بزرگ‌تری داشت و برای سوخت لازم برای گرمایش و روشنایی آن تمهیداتی اندیشیده شده و خدمه‌ای هم به آن اختصاص یافته بودند.<sup>۱۴</sup> مسجد تابستانی چنین نبود. با توجه به شباهت ساختار فضای پشت ایوان شمالی به مدرس‌های شرقی و غربی مدرسه و وجود محرابی در ایوان جنوبی، احتمالاً منظور از مسجد تابستانی همین ایوان بوده است. فضاهای جانبی (مطبخ، مبرز، خلوت، و مدرسه کوچک) در «زاویه»‌های<sup>۱۵</sup> صحن قرار گرفته بودند و هریک صحن کوچک‌تری داشت (نک: ت ۱ و ۲).<sup>۱۶</sup> ورودی اصلی در جلوخان مدرسه قرار داشت که بانی دو درخت چنار در آنجا نشانده بود.<sup>۱۷</sup> همچنین احتمالاً، به‌جز ورودی اصلی در جلوخان، ورودی فرعی‌ای واقع در سمت غربی مدرسه ورود مجزا به خلوت و حمام را فراهم می‌کرد (نک: ت ۱ و ۲ و ۶).<sup>۱۸</sup>

فضاهایی در پیرامون مدرسه قرار داشت. یخچال در سمت غربی جلوخان و جنوب مدرسه بود. خانه‌ای بر روی یخچال بود که «حدی به جلوخان مدرسه، حدی به شارع عام، حدی به مسجد زمستانی، و حدی به یخ‌چاوان»<sup>۱۹</sup> محدود می‌شد و به مدرس مدرسه وقف شده بود. خانه‌ای دیگر جنب مدرسه کوچک بود که «حدی به خانه وقفی مدرسه، حدی به شارع عام، حدی به مدرسه کوچک، و حدی به یخ‌چاوان» محدود

در بخش دوم دگرگونی‌های مدرسه را در چهار دوره تاریخی بررسی می‌کنیم: اول، در زمانی که مدرسه مرکز علمی تهران شد؛ دوم، هنگامی که مرکز مذهبی-اجتماعی قدرتمندی شد؛ سوم، دوره مشروطه و کمی پیش از آنکه محل منازعات قدرت بود؛ چهارم، مدرسه در اواخر دوره قاجاریه.

در این دگرگونی‌ها به این می‌پردازیم که چطور با وجود پشتیبانی حکومتی در زمان ساخت و نزدیکی بانی به شاه، مدرسه پس از یافتن مرکزیت علمی پایگاهی برای علمای شهر شد و جایگاهی مردمی در مقابل حکومت یافت و چطور ویژگی‌های افراد، فضاها، و فعالیت‌های اولیه پیش‌بینی‌شده برای مدرسه و دگرگونی‌های آن با نقش اجتماعی متفاوت مدرسه در هر دوره ارتباط متقابل داشت و درنهایت با افول نقش اجتماعی‌اش، از رونق افتاد و از لحاظ کالبدی هم رو به اضمحلال رفت.

## ۱. شکل‌گیری مدرسه

مدرسه مروی میان سال‌های ۱۲۲۸ تا ۱۳۳۲ ساخته شد.<sup>۹</sup> محمدحسین خان مروی دست‌کم از سال ۱۲۲۸ در حال ساخت یا تدارک برای ساخت مدرسه بوده است؛ چراکه تاریخ وقف برخی از کتاب‌های مدرسه ۱۲۲۸ است.<sup>۱۰</sup> ماده تاریخ ساخت بنا در شعر فتحعلی خان صبا ۱۳۳۱ ذکر شده، اما با توجه به آخرین کتیبه، ساخت بنا تا سال ۱۳۳۲ طول کشیده است.

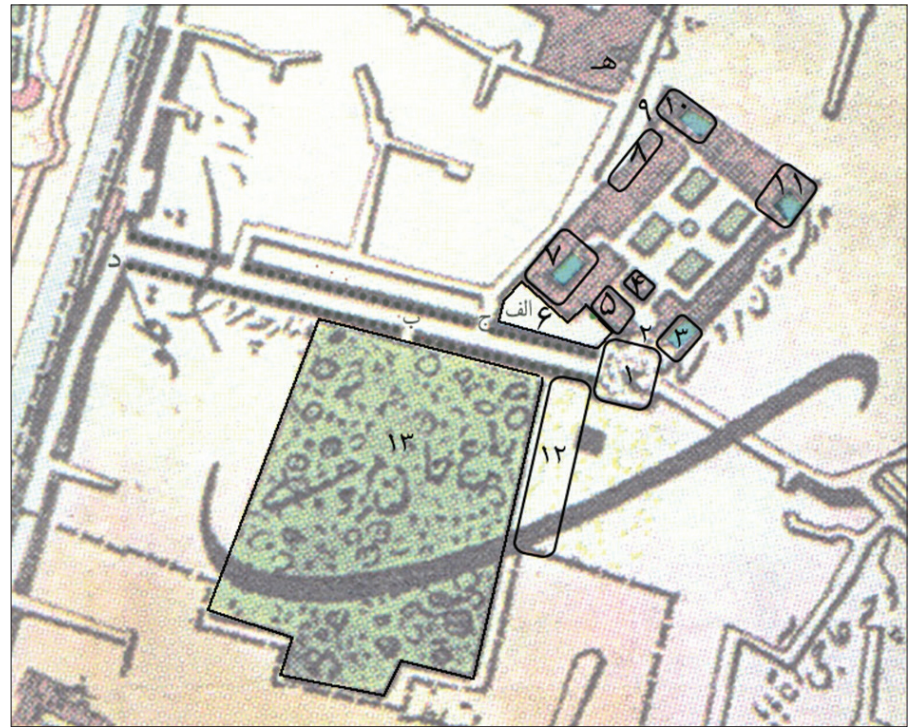
### ۱.۱. خصوصیات کالبدی مدرسه

مدرسه مروی در انتهای کوچه‌ای در محله عودلاجان بنا شد که از گذر شرقی مجاور دیوار و خندق ارگ منشعب می‌شد. فضاهای مدرسه شامل «مدرسه بزرگ»، «مدرسه کوچک»، مکتب‌خانه، منازلی برای مدرس و امام‌جماعت و «تالی»<sup>۱۱</sup>، و حمام و یخچال بود. این مدرسه در کنار مجموعه باغ و منزل

می‌شد و با همه متعلقات آن به امام‌جماعت مدرسه‌ها وقف شده بود.<sup>۲۰</sup> حمامی هم در سمت غرب مدرسه و پشت حجرات صحن اصلی قرار داشت،<sup>۲۱</sup> که بر اساس محل بنا شدنش، می‌توانست در خدمت مدرسه و بیرون آن باشد. فضاهای دیگری در جنوب معبر مروی، که بیشتر مجموعه

خصوصی واقف بود، هم وقف مدرسه شده بود؛ از جمله خانه‌ای جنب اصطبل و وقف بر تالی و مکتب‌خانه‌ای «جنب دولت‌سرای جناب واقف».<sup>۲۲</sup> بخش‌های دیگر شامل باغ، حمام، طویله، و مطبخ می‌شد. این حمام احتمالاً حمام خصوصی واقف بود.<sup>۲۳</sup> وقف باغ و قسمت‌های جنوب معبر مروی به مدرسه امکان ساخت بازارچه مروی و اضافه کردن بناهای دیگری در دوره‌های بعدی را فراهم کرده بود.

فضاهای مدرسه در خدمت آموزش و زیست طلاب بود، اما مختص به آنها نبود. در وقف‌نامه فضاها از لحاظ اهداف در نظر گرفته شده برای آن و بر اساس افراد مجاز به استفاده تقسیم شده بود. همچنین نوع و ترتیب قرارگیری آنها و ارتباطشان با مدرسه و پیرامون نشان می‌دهد که، این فضاها برخلاف صورت کلی مدارس، صرفاً شامل فضاهایی برای ایجاد خلوت لازم برای تحصیل طلاب نبود.<sup>۲۴</sup> به‌طور کلی فضاها شامل چهار دسته بود: دسته نخست مختص طلاب و شامل مدرس‌ها، حجرات و متعلقات آنها از کتاب‌ها و فرش‌ها و ظروف و مدرسۀ کوچک واقع در زاویۀ جنوب غربی صحن بود؛ دسته‌ای دیگر برای طلاب و عموم مسلمانان و شامل مسجدها، مبرز، و حوض صحن و مبرز بود و مکتب‌خانه هم وقف بر اطفال بود؛<sup>۲۵</sup> دسته سوم به فرد یا منصبی از مدرسه اختصاص یافته بود، از جمله «خلوت» واقع در زاویۀ شمال غربی صحن که شامل کتابخانه مدرسه و مجموعه‌ای کوچک برای زندگی فرزند واقف بود تا در آنجا به تحصیل علوم بپردازد،<sup>۲۶</sup> دو حجره در دهلیز مدرسه هم به مؤذن و آبدستان‌دار و خدام مدرسه اختصاص داشت، سه خانه هم برای مدرس و امام‌جماعت و تالی وقف شده بود. همه فضاهای دسته سوم به گونه‌ای قرار داشت که حدی به شارع عام یا جلوخان داشت و می‌توانست علاوه بر ارتباط با مدرسه، به‌صورت مستقیم با بیرون مدرسه در ارتباط باشد و امکان رفت‌وآمد مستقل از مدرسه را برای این افراد فراهم



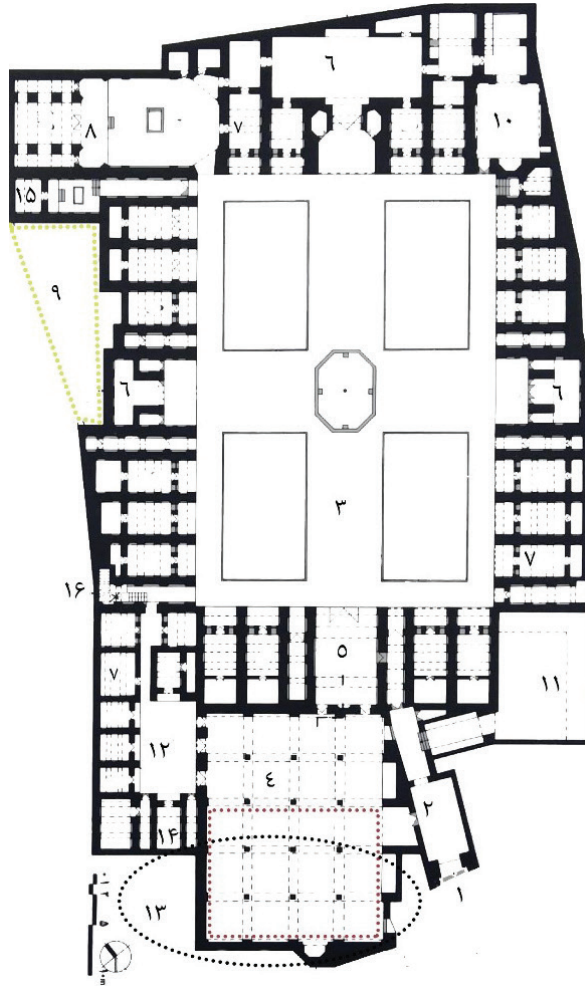
ت ۱. مدرسۀ مروی در نقشه کرشیش ۱۲۷۵، مأخذ: محسن معتمدی، *جغرافیای تاریخی تهران* (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۵). افزوده‌ها از نویسنده. اولین نقشه حدودی مدرسه و فضاهای آن در زمان ساخت بر اساس وقف‌نامه (حیاط زاویه‌ها یا رنگ آبی مشخص شده است): ۱. جلوخان، ۲. دهلیز، ۳. مبرز، ۴. مسجد تابستانی، ۵. مسجد زمستانی، ۶. یخچال که بر روی آن در سمت غرب خانه مدرس و در سمت شرق خانه امام‌جماعت قرار داشته است، ۷. مدرسۀ کوچک، ۸. حمام، ۹. ورودی فرعی غربی، ۱۰. خلوت، ۱۱. مطبخ، ۱۲. محل مکتب‌خانه و خانه تالی و اصطبل و مطبخ و حمام مجموعه باغ و منزل مروی، ۱۳. باغ مروی. تحولات و افزوده‌ها در دوره ملا محمد اندرمانی: الف. تبدیل یخچال به آب‌انبار، ب. خیابان و بازارچه مروی، ج. راهرو احداثی، د. بازار کنار خندق ه. خانه سپهسالار.

همچنین جزئیات این نقشه همچون تناسبات صحن مدرسه کوچک و خلوت، که اکنون موجود و قابل انطباق است، دقت این نقشه را نشان می‌دهد و بر همین مبنا می‌توان چنین در نظر گرفت که مسجد زمستانی هم در آن زمان مساحتی کوچک داشته و در ارتباط با صحن نبوده و از طریق دهلیز از فضاهای مدرسه جدا می‌شده است.

۱۷. شمس‌الدین رشیدی، *سوانح عمر* (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲)، ۱۳۹.  
 ۱۸. وجود این ورودی برای خلوت میرزا اسماعیل و حمام ضروری به نظر می‌رسد.

ت ۲. نقشه حال حاضر مدرسه و فضاهای آن بر اساس وقف‌نامه، مأخذ: کامبیز حاجی‌قاسمی (و.)، *بناهای مذهبی تهران* (تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۷)، ۱۳۷، افزوده‌ها از نویسنده.  
 ۱. جلوخان، ۲. دهلیز فعلی، ۳. صحن، ۴. مسجد زمستانی (محدوده گسترش با خطچین نشان داده شده است)، ۵. مسجد تابستانی، ۶. مدرس، ۷. حجره، ۸. خلوت (کتابخانه)، ۹. حمام، ۱۰. مطبخ، ۱۱. مبرز، ۱۲. مدرسه کوچک، ۱۳. یخچال / آب‌انبار، ۱۴. چاه آب، ۱۵. ورودی فرعی غربی، ۱۶. پلکان بام افزوده دوره ملا علی کنی.

از مناسک دینی تعزیه‌داری در دهه محرم بود که بخشی از منافع موقوفات به آن اختصاص می‌یافت.<sup>۳۴</sup> هدف ساخت مطبخ هم بیشتر طبخ و اطعام در «اوقات شریفه تعزیه‌داری سیدالشهداء»<sup>۳۵</sup> بود تا تهیه غذای روزمره طلاب.<sup>۳۶</sup> اسباب و وسایلی نیز برای اطعام و پذیرایی در نظر گرفته شده بود، که این خبر از اهمیت برگزاری مراسم و همراه بودن آن با پذیرایی می‌دهد.<sup>۳۷</sup> باین حال به نظر می‌رسد در ابتدا این فعالیت‌ها بیشتر برای جمع طلاب مدرسه بود تا برای عموم مردم؛ هم



کند (نک: ت ۱ و ۲ و ۶). دسته چهارم برای پشتیبانی دیگر فضاها بود؛ همچون یخچال، حمام غربی مدرسه، انباری در دهلیز مدرسه برای «حراست ظروف و فروش و سایر اسباب و متعلقات مدرسه و مسجدین و اسباب طلبه»<sup>۳۷</sup>، مطبخ در زاویه شمال شرقی صحن، و چاه آبی که به خاطر فقدان آب در مدرسه کوچک احداث شده بود.<sup>۳۸</sup> بخشی از این فضاها نیز، چون یخچال و حمام به گونه‌ای در پیرامون مدرسه قرار داشت که هم می‌توانست خدماتی را به ساکنان مجموعه عرضه کند و هم در خدمت مردم باشد و به این ترتیب بخشی از نیازهای محلی را در محله رو به رشد عودلاجان در زمان فتحعلی‌شاه مرتفع کند.<sup>۳۹</sup>

## ۲.۱. فعالیت‌های در نظر گرفته‌شده برای مدرسه

مهم‌ترین فعالیت مدرسه آموزش علوم دینی<sup>۴۰</sup> و تمهیدات آن اعم از فضا و امکانات تحصیل شامل مدرس و کتابخانه و کتب مختلف، و منابع مالی برای آنها بود.<sup>۴۱</sup> بنا بر سنت آموزش مدرسی، تحصیل عموماً با سکونت طلاب در مدرسه همراه بود. در حجره وسایل اندکی هم برای زندگی روزمره طلاب در نظر گرفته شده بود؛ نظیر آفتابه و لگن و قالی و وسیله روشنایی در شب، چون شمعدان و پیه‌سوز و منقل؛<sup>۴۲</sup> که احتمالاً هم برای گرما و هم برای پخت‌وپز مختصر در حجره به کار می‌رفته است. درواقع حجره و امکانات اندک آن هم برای اقامت و زندگی روزمره بود و هم می‌توانست فضایی خلوت برای تحصیل فراهم کند.

بخش دیگری از فعالیت‌های مدرسه برگزاری مناسک دینی نظیر نماز جماعت و تلاوت قرآن و عزاداری و مسجد فضای اصلی این فعالیت‌ها بود. برای اقامه روزانه نماز جماعت در مدرسه محلی برای اقامت امام‌جماعت و مؤذن در مدرسه وجود داشت و آنها از موقوفات هم سهم می‌بردند.<sup>۴۳</sup> بخش دیگری

۱۹. چالمه، یخندان، یخچال. لغت‌نامهٔ دهخدا، ذیل «یخچاوان». از به کار بردن دو واژهٔ یخچال و یخچاوان در وقف‌نامه به‌نظر می‌رسد یخچاوان به‌طور خاص به مخزن یخچال، و یخچال به کل مخزن و دیگر قسمت‌ها با هم اشاره دارد. ۲۰. نک: مروی، «وقف‌نامهٔ مدرسهٔ مروی».

۲۱. استادی، «وقف‌نامهٔ مدرسهٔ مروی تهران»، ۶۸-۶۹. ۲۲. نک: مروی، «وقف‌نامهٔ مدرسهٔ مروی».

ت ۳. جلوخان مدرسهٔ مروی در نقشهٔ برزین ۱۲۶۸، مأخذ: آرشیو الکترونیکی دانشکدهٔ معماری دانشگاه شهید بهشتی؛ در راهنمای نقشه رنگ سبز نشانهٔ میدان و رنگ آبی نشانهٔ حوض نوشته شده است.

فضای مساجد کوچک بود و هم در وقف‌نامه تعزیه‌داری و اطعام با تأکید بر حضور طلاب مدرسه آمده و پیش‌نماز هم «امام‌جماعت مدرستین» ذکر شده است.<sup>۳۸</sup> به این ترتیب، ابتدا مسجد بیشتر در نقش عبادتگاهی برای طلاب بود که، با توجه به آموزش دینی در مدارس، جزئی لاینفک از زندگی طلاب به‌نظر می‌رسید؛ اما این پیش‌بینی برای انجام مراسم مذهبی ظرفیتی برای گسترش آن در دوره‌های بعدی فراهم کرد.

### ۱.۳. افراد مؤثر بر شکل‌گیری و ادارهٔ مدرسه

بانی مدرسه مهم‌ترین نقش را در بنیاد نهادن مدرسه و تعیین سازوکار آن داشت. او حاج محمدحسین خان پسر حاکم مرو در دورهٔ فتحعلی‌شاه بود که، پس از کشته شدن پدرش به‌دست ازبکان، فرار کرد و به تهران آمد و در خدمت فتحعلی‌شاه ملقب به فخرالدوله شد.<sup>۳۹</sup> و به‌سبب آن مدرسه را فخریه گفته‌اند. او از مقربان دربار شاه بود و جایگاه و منزلت رفیعی نزد او داشت<sup>۴۰</sup> تا آنجا که مدرسهٔ مروی را با پشتیبانی شاه ساخت. گواه آن توضیحی از زبان فتحعلی‌شاه در تمجید خود و خان مروی و مدرسهٔ او و معاف بودنش از مالیات در ابتدای وقف‌نامه است.<sup>۴۱</sup>



مادهٔ تاریخ ساخت مدرسه هم در شعری سرودهٔ ملک‌الشعرای دربار، فتحعلی‌خان صبا، آمده که معمولاً برای ساخت بناهایی به دستور شاه شعر می‌سرود. به این ترتیب، جایگاه درباری بانی، همراه با ثروت و قدرتش، فخرالدوله را مؤثرترین فرد در تعیین سازوکار مدرسه کرد. تأثیر بانی بر مدرسه محدود به ساخت بنای اولیه و تخصیص موقوفات آن نبود، بلکه او شیوهٔ ادارهٔ آن را نیز معین کرده بود. وقف‌نامه نظام‌نامه‌ای برای مدرسه است، که زبان گویای بانی و اندیشهٔ او دربارهٔ سازوکار فعالیت‌ها و ادارهٔ مدرسه است و حتی پس از فوت او نیز نافذ مانده است. پس از بانی، مؤثرترین افراد در مدارس متولیان وقف آنها بودند. در وقف‌نامهٔ مدرسهٔ مروی شروطی برای متولی آمده که، علاوه بر مدیریت داخلی مدرسه، موجب اهمیت دوچندان آن در ارتباط مدرسه با بیرون شده است. تولیت مدرسه با «مجتهد جامع‌الشرايط دارالسلطنهٔ تهران» بود و در صورت نبود او

موکول است به اعلم و اتقای علمای بلدهٔ مذکوره به شرط اقتدار، و با عدم اعلم مقتدر در آن به عالم عادل مقتدر دارالسلطنهٔ مذکوره.<sup>۴۲</sup>

اقتدار متولی موجب حفظ موقوفات و داشتن علم لازمهٔ مدیریت آموزشی مدرسه بود. مجتهد جامع‌الشرايط معمولاً از قدرتمندترین مجتهدان و محل رجوع مردم برای پرسش‌های دینی و پرداخت وجوهات شرعی و نیز ریاست محکمهٔ شرع بود.<sup>۴۳</sup> قرار گرفتن چنین شخصی بر تولیت بزرگ‌ترین مدرسهٔ شهر بر ارزش و اعتبار او می‌افزود و همچنین به‌واسطهٔ قدرت او مدرسه و موقوفات آن از گزند تصرف در امان می‌ماند. ضمن آنکه مرجعیت متولی موجب اثرگذاری مدرسه بر عموم مردم و برعکس بود. این فایدهٔ دو سویه موجب می‌شد که افراد بسیاری خواستار تولیت این مدرسه باشند.<sup>۴۴</sup> در واقع مهم‌ترین پیش‌بینی بانی برای حفظ حیات مدرسه سازوکار سه‌گانه‌ای میان حکومت و علما و مردم و پشتیبانی آنها و درعین حال جلوگیری از تصرف آنها در مدرسه بود.





## ۲. دگرگونی‌های مدرسه

ویژگی‌های مذهبی، آموزشی، و اجتماعی مدرسه همراه با امکانات کالبدی، فضایی، و کارکردی آن سبب شد که موقعیت و نقش مدرسه در دوره قاجاریه دگرگون شود و همراه با آن خصوصیات کالبدی و فضایی‌اش نیز تغییر کند.

### ۲.۱. مدرسه، مرکز علمی تهران

مدرسه مروی در مدت کوتاهی تبدیل به مرکز آموزشی مهم و تراز اول تهران شد و جایگاه آموزشی شهر تهران را به کلی تغییر داد. وجود مدرسان سرشناس، نبود محدودیت در مواد درسی، و تولید علمای صاحب‌نام مهم‌ترین دلایل کسب این جایگاه علمی بود. این موقعیت بر سطح زندگی در مدرسه هم اثر گذاشت و به ارتقای کیفیت فضایی آن انجامید.

در دوره صفویه مدرس رکن اساسی آموزش به‌شمار می‌رفت و جایگاه اجتماعی بالایی داشت. مدرسان اغلب از عالمان بزرگ دینی بودند و عنوان «مدرس» برای علما نشان از اهمیت بالایی این جایگاه بود.<sup>۴۵</sup> پس از دوره صفویه همچنان اصفهان پایتخت علمی کشور باقی ماند؛ به همین علت، فتحعلی‌شاه از آخوند ملا علی نوری، درخشان‌ترین فرد در فلسفه و حکمت در اصفهان، خواست که برای تدریس در مدرسه مروی به تهران بیاید؛ اما او به علت کهولت سن آقا عبدالله مدرس زوزی، شاگردش در حکمت را، که جامع علوم معقول و منقول بود، برای تدریس به «مدرسه جدیدالبنای مروی» فرستاد. ایشان بیست سال تا زمان درگذشت در سال ۱۲۵۷ در مدرسه تدریس کرد.<sup>۴۶</sup> او موجب انتقال مکتب فلسفی اصفهان به «مکتب تهران» شد.<sup>۴۷</sup> او را مؤسس حوزه فلسفی و عرفانی تهران دانسته‌اند.<sup>۴۸</sup>

از دیگر عوامل رونق فلسفه و حکمت در مدرسه مروی عدم محدودیت تحصیل در مدرسه به حوزه‌های خاص و نهمی شدن دیگر علوم بود که در اواخر دوره صفویه و دوره قاجاریه

کم‌وبیش مرسوم بود.<sup>۴۹</sup> این موضوع موجب شد حکمت، که در اواخر دوره صفویه رو به افول بود، در اینجا شکوفا شود. از نشانه‌های عدم محدودیت مدرسه در آموزش علوم مختلف تنوع کتب در نظر گرفته شده برای مدرسه بود.<sup>۵۰</sup>

تولیت مجتهدان صاحب‌نام نیز بر رونق علمی مدرسه افزود. مرکزیت علمی مدرسه مروی در دوره تولیت میرزا محمد اندرمانی تهرانی (از ۱۲۴۵ تا ۱۲۸۲)<sup>۵۱</sup> محقق شد. او رئیس‌العلمای دارالخلافة و «از درجه نخستین مجتهدین بود و به بسط ید و نفاذ امر و قبول کلمه امتیازی بین داشت»<sup>۵۲</sup> و به همین سبب مدیریت مدرسه مروی را بر عهده داشت.<sup>۵۳</sup> او هم ریاست محاکم شرع و هم تولیت و مُدرسی مدرسه را داشت. همچنین با جایگاه بالایش میان علما، فضایی بزرگ در مجلس درسش حاضر می‌شدند و ملا علی کنی هم در ابتدای امر از شاگردان وی بود.<sup>۵۴</sup>

مقام علمی بالای حاج میرزا محمد اندرمانی مدرسان صاحب‌نام را به مدرسه جلب کرد. در زمان تولیت وی بزرگان بسیاری از جمله ملا محمدتقی اردکانی<sup>۵۴</sup>، حاج میرزا ابوالقاسم کلانتری<sup>۵۵</sup>، و ملا عبدالهادی مدرس تهرانی<sup>۵۶</sup> در مدرسه مروی به تدریس مشغول بودند. با حضور علما امکان تحصیل از سطوح مقدماتی تا سطوح بالای علمی در مدرسه فراهم شد؛<sup>۵۷</sup> در حالی که پیش از آن طلاب برای خواندن سطوح بالاتر باید به حوزه‌های بزرگ اصفهان یا عتبات می‌رفتند. در این دوره رونق مدرسه چنان بود که تدریس در آن موجب «اشتهار» مدرسان و محصلان آن می‌شد.<sup>۵۸</sup> این رونق علمی، به‌خصوص با خواندن علمای دیگر شهرها به تهران، در زمان محمدشاه ممکن شد.<sup>۵۹</sup> تأمین رفاه بیشتر برای طلاب مدرسه نیز در بالاتر بردن جایگاه مدرسه اثر داشت. در زمان تولیت میرزا محمد اندرمانی مدرسه «فقط یک نقص داشت» و آن فقدان آبانبار بود؛ چراکه در آن زمان یخچال هم به‌واسطه نرسیدن آب قابل‌استفاده نبود و

۲۳. استادی، «وقف‌نامه مدرسه مروی

تهران»، ۶۹.

۲۴. محمدکریم پیرنیا و غلامحسین

معماریان. آشنایی با معماری اسلامی

ایران: سازمانهای درون‌شهری و

برون‌شهری (تهران: دانشگاه علم و

صنعت ایران، ۱۳۷۸)، ۹۲.

۲۵. نک: مروی، «وقف‌نامه مدرسه

مروی».

۲۶. استادی، «وقف‌نامه مدرسه مروی

تهران»، ۶۱-۶۲.

۲۷. همان، ۵۸-۵۹.

۲۸. همان، ۶۱.

۲۹. نشانه دیگر عمومی بودن این فضاها

در بخش بعدی آمده که در وقف‌نامه

آبانبار ساخته‌شده در محل یخچال

وقف بر طلاب و دیگران شده است.

۳۰. همان، ۶۰.

۳۱. نک: مروی، «وقف‌نامه مدرسه

مروی».

۳۲. استادی، «وقف‌نامه مدرسه مروی

تهران»، ۷۰.

۳۳. نک: مروی، «وقف‌نامه مدرسه

مروی».

۳۴. نک: همان.

۳۵. استادی، «وقف‌نامه مدرسه مروی

تهران»، ۵۸-۵۹.

۳۶. غذای طلاب در مدارس عموماً

غذایی ساده بود و نیاز به پخت‌وپز

چندانی نداشت.

۳۷. همان، ۷۱.

۳۸. نک: مروی، «وقف‌نامه مدرسه

مروی».

۳۹. استادی، فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه مروی طهران، ۱۵.
۴۰. احمد میرزا قاجار، تاریخ عضدی (تهران: علمی، ۱۳۷۶)، ۱۵۰.
۴۱. محمدحسین مروی، «وقف‌نامه مدرسه مروی».
۴۲. استادی، «وقف‌نامه مدرسه مروی تهران»، ۶۱.
۴۳. حسین آبادیان، «تحول مفاهیم شیعی در دوره قاجار»، ص ۱۶۵، ۱۷۵.
۴۴. نک: بند ۲، ۳ مقاله حاضر.
۴۵. موسی‌الرضا بخشی، مدرسه و تأثیرات علمی و اجتماعی آن در عصر صفویه (تهران: یاسین نور، ۱۳۹۲)، ۱۵۱.
۴۶. اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار (تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۵)، ۲۱۱؛ حسین محبوبی اردکانی، چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، ج ۲ (تهران: اساطیر، ۱۳۷۴)، ۷۶۵.
۴۷. حسین نصر، «حکمت در تهران: گذری بر دیدگاه‌های فلسفی مکتب تهران»، خردنامه همشهری، ش. ۳ (خرداد ۱۳۸۵): ۳۰.
۴۸. حسین نصر، «حوزه فلسفی و عرفانی تهران»، در تهران: جغرافیا، تاریخ، فرهنگ، (تهران: نشر کتاب مرجع، ۱۳۸۸)، ۱۰۰.

حتی در زمان دایری هم نقص تأمین آب را جبران نکرده بود.<sup>۶۰</sup> به همین علت در سال ۱۲۷۱، با کمک مالی خیری، آب‌انباری در محل یخچال<sup>۶۱</sup> ساخته و به طلاب و سکنه و غیر آنها وقف شد.<sup>۶۲</sup> این تغییر زمینه‌ساز ساخت بازارچه در اطراف مدرسه شد. بعد از تبدیل یخچال به آب‌انبار، چون زمین دو طرف معبر ملک مدرسه بود و «قابلیت و استعداد بازارچه داشت» و می‌توانست عواید مالی بسیاری برای مدرسه داشته باشد، بازارچه‌ای در دو طرف معبر ساخته شد. بازارچه در مدت چهار سال (۱۲۷۱-۱۲۷۵)<sup>۶۳</sup> با ۲۳/۵ طاق، شامل ۴۴ باب دکان و دو دکه، ساخته شد. ساخت آن بدون تصرف فضاهای دو سمت معبر بود و فقط چند درخت در باغ و معبر از بین رفت،<sup>۶۴</sup> که این حکایت از عرض بسیار معبر دارد. بعد از ساخت «بازارچه جدیدالاحداث مدرسه» و به جهت «مرغوبی بازارچه» و تردد زیاد اهل محله و «مصلحت بازارچه» یک باب از دکان‌ها به «راهرو» از بازارچه به طرف شمال و خانه سپهسالار (نک: ت ۱ و ۶) تبدیل شد.<sup>۶۵</sup>

تغییرات شهر در اطراف مدرسه نیز موجب تردد بیشتر مردم در محدوده آن شد. با ساماندهی حصار و خندق در عرصه شرقی ارگ در سال ۱۲۶۷ بازار جدید موسوم به بازار کنار خندق ساخته شد که از ابتدای معبر مروی به سمت جلوخان مسجد شاه می‌رفت و در نهایت به بازار می‌پیوست (نک: ت ۱).<sup>۶۶</sup> در سال‌های ۱۲۷۷ تا ۱۲۸۳ مدرسه سپهسالار قدیم<sup>۶۷</sup> هم در کنار مدرسه مروی ساخته شد.<sup>۶۸</sup> راهروی کنار بازارچه به سمت خانه بانی، میرزا محمدخان سپهسالار، می‌رفت و احتمالاً در زمان ساخته‌شدن راهرو، او هم در تدارک ساخت مدرسه بود و این راهرو ارتباط راحت‌تری بین منزل بانی و موقوفه او فراهم می‌کرد. ساخت بازارچه و فضاهای دیگری در اطراف مدرسه در موقعیت اجتماعی آن اثرگذار بود. بازارها محل حضور مردم بود و می‌توانست ارتباط بی‌واسطه طلاب و علما و عموم مردم

را فراهم و کارآمدی اجتماعی مدرسه را بیشتر کند؛ مثلاً اهل بازارچه می‌توانستند برای نماز یا دیگر فعالیت‌های مذهبی در مسجد مدرسه حاضر شوند یا به سبب رفت‌وآمد در محدوده آن از اخبار و اتفاقات مدرسه باخبر شوند. از طرف دیگر، بازارچه که متعلق به مدرسه بود، مرکزیتی محلی به مدرسه می‌بخشید؛ چراکه بازارچه بیش از مدرسه محل مراجعه مردم بود. همچنین با ساخت بازارچه و آب‌انبار مدرسه بیش از پیش خودبسا شد و می‌توانست بر محله نیز چنین اثری بگذارد و نیازهای روزانه طلاب و مردم محل را تأمین کند. از نشانه‌های آن می‌توان وجود دکان‌های خبازی لواشی در آن زمان و بعدتر قهوه‌خانه<sup>۶۹</sup>، چلوپزی، و خبازی سنگگی در بازارچه را برشمرد.<sup>۷۰</sup> ساخت بازارچه به منابع مالی و ثروت مدرسه هم می‌افزود، که می‌توانست در خدمت گسترش فعالیت‌های مدرسه و رفاه آن باشد. عواید مالی حاصل از بازارچه برای تأمین سوخت برای زندگی طلاب و سکنه مدرسه و گرمایش مسجد آن و تعزیه‌داری در مدرسه شامل هزینه‌های اطعام و قهوه و قلیان و اجرت روضه‌خوان در سال ۱۲۷۸ وقف شده بود.<sup>۷۱</sup>

ساخت بازارچه، علاوه بر مرکزیت محلی، مرکزیتی شهری به مدرسه بخشید. برخی از دکان‌هایش فراتر از نیازهای محلی و در خدمت عموم مردم بود، همچنین در این زمان در وقف‌نامه از معبر منتهی به جلوخان مدرسه با نام «خیابان» یاد شده، درحالی‌که پیش‌تر به آن «شارع عام» اطلاق می‌شد.<sup>۷۲</sup> به نظر می‌رسد با ساخت دکان‌ها در دو سمت این معبر، آنجا به نوعی سامان یافته که «خیابان» به آن اطلاق شده است<sup>۷۳</sup> و این موقعیتی ممتاز برای مدرسه بود؛ چراکه در همان زمان در نقشه کرشیش نامی از خیابان دیگری در شهر نیامده است<sup>۷۴</sup> و علاوه بر آن جلوخان مدرسه با علامت میدان درج شده است. این خیابان احتمالاً از اولین خیابان‌های تهران پیش از گسترش شهر در دوره ناصری و ساخت خیابان ناصریه بود که به میدان / جلوخان مدرسه می‌رسید.

۴۹. مثلاً در مدرسهٔ مریم‌بیگم خواندن کلیهٔ کتب حکمت و علوم عقلی منع شده و یا در مدرسهٔ چهارباغ اصفهان شرط بود یکی از کتب حدیث حتماً در برنامهٔ درسی باشد (نک: عفت خوشنودی، «وقف‌نامهٔ مدرسهٔ مریم‌بیگم». وقف میراث جاویدان، ش. ۷۴) تابستان ۱۳۹۰؛ محمد نادر نصیری مقدم، مصحح. «وقف‌نامهٔ مدرسهٔ چهارباغ اصفهان»
۵۰. شامل قرآن و ادعیه و تفاسیر، نهج‌البلاغه و شروح آن، احادیث، فقه و اصول، ادب و تاریخ، حکمت و کلام و اخلاق، ریاضی و حساب و نجوم، ادب. نک: استادی، «وقف‌نامهٔ مدرسهٔ مروی تهران».
۵۱. بر اساس تاریخ تبعید میرزا مسیح متولی پیشین و زمان فوت میرزا محمد اندرمانی.
۵۲. اعتمادالسلطنه، المأثر و الآثار، ۲۰۶.
۵۳. عبدالله مودی، ملاحیب‌الله شریف کاشانی «فقیه فرزانه» (قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶)، ۳۸-۳۷؛ حبیب‌الله الشریف الکاشانی، لباب الاقطاب فی القاب الاطیاب (قم: مؤسسه کتابشناسی شیعه، ۱۳۹۴)، ۱۶۴.
۵۴. اعتمادالسلطنه، المأثر و الآثار، ۱۹۶-۱۹۵.
۵۵. محبوبی اردکانی، چهل سال تاریخ ایران در دورهٔ پادشاهی ناصرالدین شاه، ج ۲، ۷۷۰.
۵۶. حبیب‌الله الشریف الکاشانی، لباب الاقطاب فی القاب الاطیاب، ۱۷۱
۵۷. اعتمادالسلطنه، المأثر و الآثار، ۲۰۳.
۵۸. همان.

تصرف وقف نرسیده بود، به موقوفات اضافه کند و بسیاری از املاکی را، که به مرور از موقوفه خارج شده بودند، دوباره تصرف کند. علاوه بر اینها، در برخی اراضی موقوفه بناهایی احداث کرد که به ثروت مدرسه بسیار افزود. همچنین به خاطر حضور او خیرین دیگری از درباریان و غیره، احتمالاً برای جلب نظر او، موقوفاتی به مدرسه اهدا کردند.<sup>۸۴</sup> افزایش موقوفات در رابطه‌ای متقابل موجب افزایش ثروت و قدرت متولی شد؛ چراکه بخشی از درآمد حاصل از آنها حق‌التولیه بود.

در این دوره وضع مدرسه بسیار منظم شد.<sup>۸۵</sup> مدرسه همچنان مرکزیت علمی داشت. ملا علی کنی اعلم علمای ایران بود<sup>۸۶</sup> و علمای بسیاری به دعوت او در مدرسه تدریس می‌کردند؛ از جمله میرزا عبدالرحیم نهایندی از علمای بزرگ فقه و اصول<sup>۸۷</sup>، سید عبدالکریم لاهیجی<sup>۸۸</sup>، و میرزا محمد مهدی حجار<sup>۸۹</sup>. ملا علی کنی همچنین به احیای کتابخانه و افزودن کتب آن پرداخت و مبالغی از موقوفات را برای آن در نظر گرفت<sup>۹۰</sup> که اسباب مهمی برای تحصیل طلاب بود.

دگرگونی مهم در این دوره ساخت «مسجدی بس رفیع مشتمل بر بیست طاق» (پیش از ۱۲۹۶) در محل مسجد زمستانی بود (نک: ت ۵).<sup>۹۱</sup> پس از آن بود که در متون جز «مدرسهٔ مروی» نام «مسجد مروی» آمده است؛<sup>۹۲</sup> در حالی که پیش‌تر هیچ‌گاه واژهٔ «مسجد» برای اشاره به مجموعه به کار نرفته بود. همچنین «امام‌جماعت» منصبی مهم و در نقش اجتماعی مدرسه اثرگذار شد.<sup>۹۳</sup> پیش از آن هیچ فرد خاصی در مقام امام‌جماعت مدرسه ذکر نشده بود. به نظر می‌رسد که پیش‌تر مسجد برای طلاب بود تا آنکه مسجدی عمومی باشد؛ اما پس از گسترش مسجد در کنار مدرسه، رکنی دیگر از مجموعه شد که بیشتر در خدمت عموم بود؛ گویی دیگر فعالیت اصلی مدرسه منحصر به تحصیل نبود.

ساخت مسجد امکانی برای گسترش مناسک دینی فراهم

## ۲.۲. مدرسه، مرکز مذهبی اجتماعی قدرتمند

اهمیت تولیت مدرسه که بانی مشخصاتش را در وقف‌نامه ذکر کرده بود، در دورهٔ سوم حیات مدرسه آشکار شد. این دوره مقارن با گسترش نفوذ علمای مذهبی و رونق مناسک مذهبی در عین رشد و توسعهٔ روزافزون پایتخت بود. در این شرایط تولیت قدرتمند نقشی مهم در ارتقای فضایی مدرسه و تغییر ترکیب آن و توسعهٔ فضاهای پیرامونش داشت و بر اهمیت فضای اجتماعی مدرسه افزود.

مدرسه در دورهٔ تولیت ملا علی کنی مرکز مذهبی - اجتماعی قدرتمندی شد. ملا علی کنی، سومین متولی مدرسه (از ۱۲۸۲ تا ۱۳۰۶)<sup>۷۵</sup>، مقبولیتی تام در تهران داشت و از مجتهدان جامع‌الشرایط و به‌نوعی پیشوای مردم بود.<sup>۷۶</sup> جایگاه مردمی او از علل اثرگذاری اجتماعی مدرسه در این دوره بود.<sup>۷۷</sup> جایگاه مردمی او به حدی بود که در زمان درگذشتش، در محرم ۱۳۰۶<sup>۷۸</sup> دکان‌ها چهار روز تعطیل شد و افراد و اصناف مختلف شهر از گبر و یهود و ... عزاداری‌های مفصلی برای او گرفتند و ختمش را در مسجد مروی برگزار کردند؛ طوری که به گفتهٔ اعتمادالسلطنه «تا به حال برای احدی در ایران این‌طور عزاداری نکرده بودند».<sup>۷۹</sup>

ملا علی کنی بر حکومت و شخص شاه هم نفوذ بسیار داشت، تا آنجا که به نقل از سفیر امریکا با یک کلمه می‌توانست شاه را از سلطنت خلع کند.<sup>۸۰</sup> او روابط بسیاری با افراد مختلف در دربار داشت.<sup>۸۱</sup> ناصرالدین شاه هم محترم‌ش می‌شمرده؛<sup>۸۲</sup> چراکه از جایگاه مردمی او آگاه بود و می‌ترسید. او به‌واسطهٔ نفوذ بر شاه و مردم نقشی تأثیرگذار در لغو امتیاز رویتر و برکناری سپهسالار و برچیدن فراموش‌خانه داشت.<sup>۸۳</sup>

قدرت و نفوذ ملا علی کنی موجب گسترش موقوفات مدرسه شد. او به تعمیر املاک سابق و زیاد کردن موقوفات مدرسه پرداخت و توانست موقوفاتی را، که از زمان واقف به

۵۹. همان، ۱۹۵-۱۹۶.  
 ۶۰. محمد اندرمانی، «وقفنامهٔ مدرسهٔ مروی».  
 ۶۱. بلاغی ذکر کرده که در زیر شبستان آب‌انبار بزرگی برای استفادهٔ عموم بوده است و بنابراین توضیح و حدود مشخص‌شدهٔ یخچال در وقف‌نامه، محل آن در نقشهٔ مدرسه مشخص شده است (عبدالحججه بلاغی، *گزیده تاریخ تهران* (تهران: مازیار، ۱۳۸۶)، ۶۹).  
 ۶۲. محمد اندرمانی، «وقفنامهٔ مدرسهٔ مروی».  
 ۶۳. همان.  
 ۶۴. همان.  
 ۶۵. طبق وقف‌نامه، زمین این راهرو متعلق به یخچال و وقف مدرسه بود و پیش از خراب شدن یخچال وجود نداشت؛ اما از آنجاکه در نقشهٔ برزین پیش از این زمان (۱۲۶۸) چنین معبری نشان داده شده است، به‌نظر می‌رسد در این زمان با تبدیل کردن یک باب دکان از بازارچه به راهرو به عرض معبر اضافه کرده‌اند. این راهرو طول و عرضی مطابق یک دکان داشته و عرض معبر را در محل برخورد با بازارچه بیشتر می‌کرد (نک: ت ۶).

ت ۴. مدرسه در اواخر دورهٔ قاجاریه، مأخذ: آرشیو آلبوم‌خانهٔ کاخ گلستان.  
 ۱. مدرسهٔ سپهسالار قدیم، ۲. درختان صحن مروی، ۳. درختان جلوخان مدرسهٔ مروی، ۴. باغ مروی، ۵. بازارچهٔ مروی، ۶. جلوخان شمس‌العماره، ۷. بازارچهٔ کنار خندق، ۸. خیابان ناصریه.

کرد. فعالیت‌های مذهبی عمومی مدرسه نیز چون نماز جماعت و روضه‌خوانی «شأن و عظمت» یافتند و با تشریفات مفصل انجام می‌شدند.<sup>۹۴</sup> تعزیه‌داری گسترش یافت و ملا علی کنی «در تکمیل تعزیه‌داری و لوازم و اسباب روضه‌خوانی چه اهمات کافیه و اقدامات وافیه مبذول فرموده» و این مجالس «بدیع هر مجلس و صنیع هر محفل» شده بود.<sup>۹۵</sup> اعتمادالسلطنه در سال ۱۲۹۹ از مجلس روضهٔ مدرسه تعریف مفصلی کرده است، که برای حضور در آن دعوت شده بود. مجلسی منظم که با نماز جماعت آغاز می‌شد و پس از آن روضه‌خوانی بود و شام مفصل خوبی در انتها داشت و خدمتکارهای مجلس همگی معمم و طلاب بودند.<sup>۹۶</sup> ملا علی کنی مجموعهٔ ظروف و اسباب کاملی هم برای تعزیه‌داری تهیه کرد و انباری برای نگهداری آنها ساخت.<sup>۹۷</sup> رواج عزاداری در مدرسه در سیاق توجه بیشتر به تعزیه و روضه و رونق آنها در دورهٔ ناصری اتفاق افتاد.<sup>۹۸</sup> گسترش این فعالیت‌ها و حضور عموم در آنها وجههٔ مذهبی و اجتماعی مدرسه را اهمیت بخشید.

مرکزیت مذهبی موجب گسترش نفوذ مدرسه بر مردم بود. از اواخر دورهٔ ناصری با شکاف میان علما و حکومت کم‌کم مدرسه تبدیل به پایگاهی مردمی در مقابل حکومت شد. مثلاً

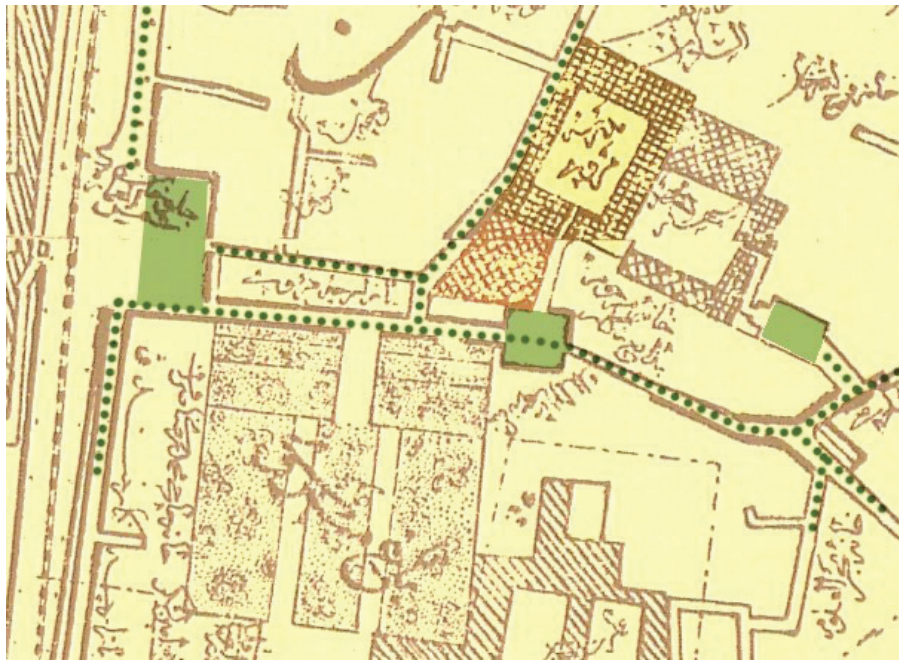
دکان‌داری نزدیک مدرسه در تنبیه شاگرد خود بابت دزدی، خود را تحت حمایت طلاب مدرسه مختار مجازات و بی‌نیاز از پلیس می‌دانست و در مقابل پلیس درشتی می‌کرد.<sup>۹۹</sup> یا اندکی پس از فوت ملا علی کنی در نماز جماعت مسجد مروی «بیست‌هزار نفر» حاضر می‌شدند و برخلاف پیش‌نماز منصوب دولت در مسجد سپهسالار «مردم از روی عقیده» به ملا محمد رستم‌آبادی، امام‌جماعت مدرسه، اقتدا می‌کردند که «در باطن اثبات عدم تدین رجال دولت» می‌کرد و «اقتدار علما بر ضد دولت» را نشان می‌داد.<sup>۱۰۰</sup>

از دیگر زمینه‌های بالا رفتن شأن مدرسه رسیدگی به کالبد مجموعه بود. در این دوره اقدامات اساسی در رفع مشکلات کالبدی و گسترش مجموعه انجام شد. در جلوخان و مقابل دو چنار آن، جایی که «بی‌حاصل افتاده و محل کثافات و موجب شکایت مردم» بود، چهار دکان و بر بالای آنها انبار و بالاخانه ساخته شد. در باغ مقابل مدرسه، برای حفظ غلهٔ حاصل از محصولات موقوفه، انباری ساخته شد تا ساکنان مدرسه از خیال قحطی و تنگی آذوقه در امان باشند. در بازارچه هم تغییرات اندکی ایجاد شد. همچنین در جنوب کوچهٔ مروی در بالای حمام و جنب مکتب‌خانه هم چهار دکان ساخته شد. مکتب‌خانه



۶۶ اسکندر مختاری، «سیر تحولات سیمای شهری در میدان جلوخان شمس‌العماره»، اثر، ش ۲۵ (فروردین ۱۳۶۷): ۱۱۴.

ت ۵. مدرسه مروی در نقشه عبدالغفار، مأخذ: وبگاه کتابخانه کنگره، افزوده‌ها از نویسنده. در این نقشه مسجد گسترش یافته و با هاشور مجزا از مدرسه نشان داده شده است. بازارچه و جلوخان شمس‌العماره و مدرسه سپهسالار قدیم و جلوخان آن نیز ساخته شده‌اند.



مکانی آن افزود. ابتدا ضلع شرقی خندق ارگ (۱۲۸۲) پر شد و بر روی آن خیابان ناصریه از میدان توپخانه جدید تا دهانه بازار (۱۲۸۵) ساخته شد که به یکی از «تفرجگاه‌های عمومی شهر» تبدیل شد. هم‌زمان شمس‌العماره در سال ۱۲۸۴ ساخته شد<sup>۱۳</sup> و پس از آن سردر (ح ۱۳۰۲-۱۳۰۳) و میدان جدیدی (۱۳۰۵) روبه‌روی آن و در ورودی بازارچه مروی و بازار کنار خندق ساخته شد که همان جلوخان شمس‌العماره و محلی برای برگزاری آتش‌بازی دولتی و جشن اعیاد بود<sup>۱۴</sup> (نک: ت ۴ و ۵). با این تحولات، بازارچه و خیابان مروی مهم‌ترین راه ارتباطی ارگ و خیابان ناصریه به سمت محلات شرقی بودند. ارتباط با این مراکز مهم بیش از پیش می‌توانست زمینه‌ساز حضور مردم در مدرسه و محدوده آن باشد.

در مجموع ملا علی کنی در دوره تولیت خود به‌نوعی مدرسه را احیا کرد و گسترش داد و به عظمتی بی‌سابقه رساند.

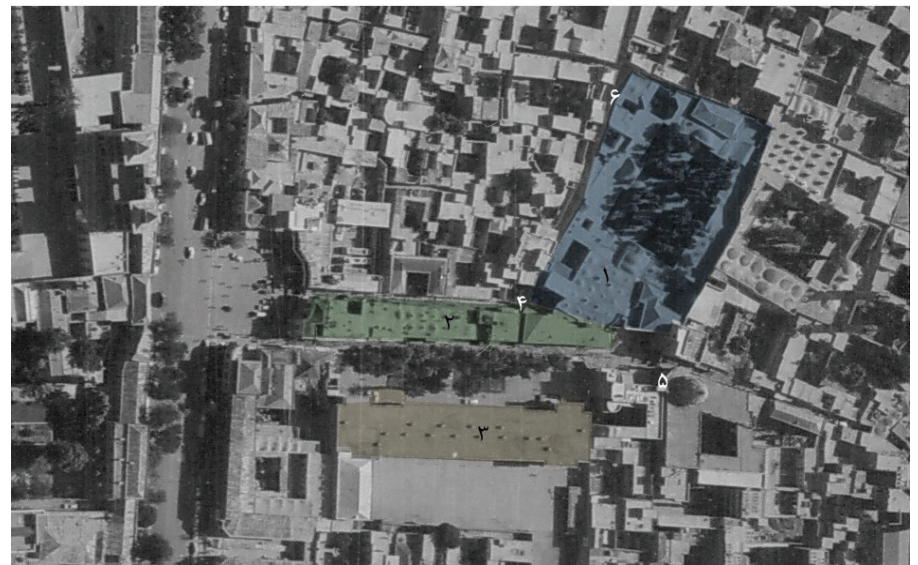
را هم، که هم‌سطح کوچک و مخروبه بود، خراب کردند. به جای آن دو دکان ساختند و مکتب‌خانه جدید در بالای آن دکان‌ها دایر شد. همچنین چون راه‌پله بام، که احتمالاً در زاویه شمال غربی صحن بود، از مدرسه کوچک دور و اقامت شب ساکنان آن در بام مشکل بود، حجره رطوبت‌گرفته و نامطلوبی در مدرسه کوچک به راه‌پله‌ای مجزا برای مدرسه کوچک تبدیل و به جای آن در محل قدیم پله بام «غرفه مسکون مرغوب» دیگری (نک: ت ۱ و ۲) ساخته شد.<sup>۱۵</sup> سمت غربی مدرسه، که محل ورود آب به مجموعه و محل حمام بود، به‌طور کلی مشکل رطوبت داشت و پیش از آن هم خرابی یخچال را در پی داشت. در این دوره حمام پشت حجره‌های غربی مدرسه هم مخروبه و ساخت مجدد آن نیز به‌خاطر هم‌جواری با حجره‌ها و رطوبت مایه خرابی حجره‌ها بود، بنابراین به اقتضای آن زمان، یک خانه شامل اندرونی و بیرونی طبق «صلاح وقف و مدرسه» جای آن احداث و اجاره داده شد. برای دفع رطوبت، علاوه بر تخریب حمام، محل عبور آب راه، که پیش‌تر از سمت خلوت وارد حوض می‌شد، تغییر دادند. برای مسیر جدید صحن مدرسه را کردند و از طریق گذرگاهی آب را از جلوخان به حوض رساندند. در پی این اقدام، فرش کف حیاط را هم از صورت «ردیفی» به «نظامی» تغییر دادند. فرش کف سابق بر اثر حرکت دچار پستی و بلندی بود و برای عبور و مرور و خوابیدن در تابستان مشکل‌زا بود. در همین زمان اطراف چهار باغچه مدرسه هم «سنگ و مسطح و مصفا» شد.<sup>۱۶</sup> این اقدامات ظاهری آراسته را فراهم کرد که می‌توانست نشانه‌ای از شأن بالا و ثروت مدرسه باشد؛ اقداماتی که نه‌فقط متوجه نیازها و رفع مشکلات طلاب و بالا بردن سطح رفاه ساکنان بود، بلکه برای رفع مشکلات مردم (در پی شکایت آنها) و بهبود کیفیت چهره بیرونی مجموعه هم بود. در این دوره تحولات کالبدی عمده‌ای در شهر رخ داد، که با تقویت ارتباط مدرسه با مهم‌ترین فضاهای شهری بر اهمیت

ت ۶ مدرسه و اطراف آن در سال ۱۳۴۷ش، مأخذ: سازمان نقشه‌برداری، افزوده‌ها از نویسنده. تغییرات مدرسه: قطع درختان جلوخان و تبدیل باغ مروی به دبیرستان، ساخت سقف شیروانی برای مدرس شمالی و دکان‌های شرق جلوخان و تغییراتی در محل مبرز و مطبخ. مکان‌های نشان داده شده در تصویر: ۱. مدرسه و مسجد، ۲. بازارچه، ۳. دبیرستان جدیدالاحداث در باغ، ۴. راهرو، ۵. گذر جنوبی جلوخان، ۶. ورودی فرعی غربی.

امور مدرسه بسیار منظم شد و مدرسه همچنان جایگاه علمی معتبری داشت. نظم بخشیدن به موقوفات منابع ثروت بسیاری برای مدرسه حاصل کرد که امکان گسترش فعالیت‌ها و دگرگونی کالبد مدرسه را فراهم کرد. مسجد موجودیتی مستقل یافت و بر فعالیت‌های مدرسه اثر گذاشت. عامل دیگر برای مرکزیت اجتماعی مدرسه تحولات کالبدی در محیط پیرامون مدرسه بود که زیر نظر شاه انجام شد و مدرسه را به مکان‌های مهمی متصل کرد. گسترش مسجد محل مناسب‌تری در اختیار فعالیت‌های عمومی چون نماز جماعت و روضه قرار داد که گسترش بی‌سابقه این نوع فعالیت‌ها در مدرسه را فراهم کرد. این اتفاقات موجب افزایش اثرگذاری متولی و طلاب مدرسه بر مردم شد و جایگاه آنها را در مقابل حکومت تثبیت کرد.

### ۳.۲. مدرسه محل نزاع قدرت

تغییر وضعیت اجتماعی و سیاسی که از اواخر دوره ناصری آغاز و در انقلاب مشروطه به اوج رسید، فضای اجتماعی مدرسه



مروی را متأثر کرد و تلاش برای سلطه بر این فضا اهمیتی دوچندان یافت؛ هرچند فضای کالبدی مدرسه تغییری نکرد. به این ترتیب، فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی طلاب و علما، در کنار فعالیت‌های آموزشی، بخشی از زندگی روزمره مدرسه شد. با تثبیت قدرت مدرسه در دوره ملا علی کنی، پس از فوت وی مدرسه محل نزاع حکومت و علما شد. ابتدا به فرمان شاه و برخلاف وقف‌نامه، تولید مدرسه به میرزا زین‌العابدین امام‌جمعه (۱۳۰۶-۱۳۱۴) واگذار شد.<sup>۱۰۵</sup> ناصرالدین شاه با این کار در فکر کوتاه کردن دست علما از قدرت، به‌خصوص پس از قدرت فراگیر ملا علی کنی بود.<sup>۱۰۶</sup> شایستگی علمی و دینی امام‌جمعه متناسب با مقام او نبود و تولید مدرسه مروی هم به‌تناسب مقامش به او داده شد.<sup>۱۰۷</sup> او از مجتهدان جامع‌الشرایط تهران نبود. پس از مرگ ناصرالدین شاه این موضوع بهانه‌ای برای شکایت طلاب و غاصب دانستن او شد. با کشمکش طولانی میان طلاب و علما و امام‌جمعه و با دخالت شاه جدید، تولید از امام‌جمعه سلب شد و به میرزا حسن آشتیانی رسید.<sup>۱۰۸</sup> با ریاست میرزای آشتیانی مدرسه رسماً پایگاه مهم علما بر ضد حکومت شد. او از زمان ملا علی کنی از مجتهدین جامع‌الشرایط تهران بود و بعد از فوت او به‌نوعی رئیس‌العلمای تهران بود؛ به‌خصوص که در جریان مخالفت با قرارداد رژی و اعلام حکم میرزای شیرازی مبنی بر تحریم تنباکو (۱۳۰۹)، تبدیل به رهبر سیاسی مردم برای شورش علیه حکومت شد.<sup>۱۰۹</sup> در دوره مشروطه مدرسه، به‌واسطه مرکزیت مذهبی و اجتماعی‌اش، بهترین پایگاه مشروطه‌خواهی علما شد و نزاع بر سر تولید آن ادامه یافت. پس از چوب زدن تجار به بهانه گرانی قند و بلوای پس از آن با دخالت میرزاابوالقاسم امام‌جمعه<sup>۱۱۰</sup>، علما در مدرسه مروی جمع شدند و تصمیم به تحصن در حرم حضرت عبدالعظیم گرفتند.<sup>۱۱۱</sup> رفتن شیخ مرتضی آشتیانی، متولی مدرسه بعد از میرزا حسن آشتیانی، و امام‌جماعت مروی

۶۷. مدرسه‌ای که در جانب شرقی مدرسه مروی ساخته شد با نام سپهسالار معروف بود؛ اما پس از ساخته شدن مدرسه ناصری و موسوم به سپهسالار در بهارستان مدرسه جنب مروی سپهسالار قدیم خوانده شد.

۶۸. کامبیز حاجی قاسمی، بناهای مذهبی تهران، ۱۱۰.

۶۹. قهوه‌خانه مروی از قهوه‌خانه‌های نامی تهران بوده است و این خود نشانه دیگری بود از مرکزیت یافتن اجتماعی مجموعه (جعفر شهری باف، طهران قدیم، ج ۲ (تهران: معین، ۱۳۸۳)، ۱۴۶.

۷۰. علی کنی، «وقف‌نامه مدرسه مروی»، محمد اندرمانی، «وقف‌نامه مدرسه مروی».

۷۱. همان.

۷۲. همان.

۷۳. احتمالاً اطلاق اصطلاح خیابان به

این معبر در این دوره به سبب راست و مستقیم بودن آن و نیز کارکردهای آن است (برای آشنایی با ویژگی‌هایی که خیابان‌ها در دوره صفویه بدان باز شناخته می‌شدند نک: زهرا اهری، «خیابان چهارباغ اصفهان، مفهومی نو از فضای شهری»، گلستان هنر، ش. ۵ (پاییز ۱۳۸۵): ۴۸-۵۹.

۷۴. نک: رضا شیرازیان، راهنمای نقشه‌های تاریخی شهر تهران (تهران: دستان، ۱۳۹۱).

۷۵. مجید آژده، حوزه علمیه مروی و نقش آن در تاریخ معاصر، ۱۵۱ و ۱۷۱.

۷۶. اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه (تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۵)،

۶۸۰

اضافه شد و نقش‌های قبلی را تحت‌الشعاع قرار داد. اخبار این دوره مدرسه همه مربوط به مشروطه است و فعالیت سیاسی تا آنجاست که طلاب حتی اقدامات سیاسی را دستاویزی برای تحریک مردم به اقدام مورد رضایت دسته و گروهی خاص قرار دادند.<sup>۱۱۴</sup>

در این دوره تغییری در کالبد مدرسه رخ نداد، که علت آن می‌توانست عدم نیاز مدرسه پس از تعمیرات گسترده ملا علی کنی باشد. به نظر می‌رسد همه عظمت و رونقی که مدرسه از دوره ملا علی کنی و میرزای آشتیانی به آن رسید زمینه‌ای شد تا مدرسه نقش اجتماعی و سیاسی تأثیرگذاری در حوادث دوره مشروطه داشته باشد. موقعیت مدرسه در شهر در امکان حضور مردم و قرارگیری مدرسه سپهسالار قدیم با ریاست سیدعبدالله بهبهانی، که از مهم‌ترین رهبران جنبش مشروطه بود، در کنار مدرسه مروی موجب اتحاد مذهبی و اجتماعی طلاب این دو مدرسه شد و طلاب آنها را از مهم‌ترین مشروطه‌خواهان و البته با حمایت مردم کرد.

## ۲.۴. افول و کم‌رونقی مدرسه

در دوره پس از مشروطه و در سال‌های آخر سلطنت قاجاریه با تغییر در فضای اجتماعی و سیاسی و رواج اشکال جدید آموزش اقبال به آموزش مدرسی کم شد و با ضعیف شدن تولید مدرسه، نه فقط پهنه فضایی مدرسه تغییر یافت و از موقوفات آن کاسته شد، بلکه ترکیب کالبدی آن نیز دگرگون شد. در رمضان سال ۱۳۳۵ از نشانه‌های کساد مساجد تعطیلی مسجد مروی بود، انگار ماه رمضان نبود؛ درحالی‌که «سابقاً تا توی بازارچه و تمام پشت‌بام‌ها جمعیت برای نماز جمع می‌شد»<sup>۱۱۵</sup> که گویای افول مدرسه و کم‌رونقی فعالیت‌های آن بود. در این دوره متولی، شیخ مرتضی آشتیانی، مجاور مشهد بود و نایبان او مدرسه را مدیریت می‌کردند.<sup>۱۱۶</sup> علاوه بر نبود متولی و فردی مقتدر

به تحصن سبب شد که مردم در نماز جماعت امام‌جمعه حاضر نشوند؛ چراکه شیخ مرتضی آشتیانی و امام‌جماعت مروی به زهد و عدم دخالت در امور معروف و محل وثوق مردم بودند.<sup>۱۱۲</sup> بعد از هجرت علما با حکمی از شاه تولید مدارس مروی و خازن‌الملک از میرزا مرتضی به امام‌جمعه و تولید مدارس سپهسالار قدیم و عبدالله‌خان از سیدعبدالله بهبهانی به افراد نزدیک به امام‌جمعه رسید.<sup>۱۱۳</sup> این اتفاق با اتحاد امام‌جمعه، پشتیبانی حکومت، و شیخ فضل‌الله نوری انجام شد. تغییر دستوری تولید مدرسه مروی موجب شد که یکی از درخواست‌های متحصنین در حرم حضرت عبدالعظیم، در کنار تأسیس عدالت‌خانه و دیگر موارد، بازگشت مجدد تولید به اولاد میرزای آشتیانی باشد؛<sup>۱۱۴</sup> درحالی‌که تغییر تولید سایر مدارس جزء خواسته‌ها نبود و خود نشان از اهمیت مدرسه مروی بود. گویی ریاست بر مدرسه مروی بود که بیش از هر چیز چیرگی بر دیگری را نشان می‌داد و از این رو ریاست مدرسه بین علمای نزدیک به حکومت یا با پشتیبانی مردم در حال جابه‌جایی بود. در نهایت پس از صدور فرمان مشروطه و بازگشت علما از تحصن در قم، مجدداً تولید به میرزا مرتضی آشتیانی بازگشت.<sup>۱۱۵</sup> از این پس، مدرسه از پایگاه‌های مهم مشروطه‌خواهی و محل جشن‌های پیروزی<sup>۱۱۶</sup>، نوشتن نظام‌نامه<sup>۱۱۷</sup> و شب‌نامه در حمایت از مشروطه<sup>۱۱۸</sup> شد. احتمالاً همین مشروطه‌خواهی طلاب مدرسه موجب شد شیخ فضل‌الله نوری در آشوب موافقان و مخالفان در سال ۱۳۲۵ مدرسه مروی را «مرکز ضد مشروطه» قرار دهد<sup>۱۱۹</sup> و به «خیال خود حوزه‌ای در مقابل حوزه ملی مدرسه سپهسالار»<sup>۱۲۰</sup> مهیا کند.<sup>۱۲۱</sup> او به بهانه شریعت و محافظت از آن، بنای مخالفت با مشروطه گذاشت.<sup>۱۲۲</sup> محوریت مدرسه در اتفاقات مشروطه تا فتح تهران ادامه یافت و باقرخان پس از فتح چندین بار در مسجد مروی نطق کرد.<sup>۱۲۳</sup> در این دوره، پس از مرکزیت علمی و مذهبی، مرکزیت سیاسی به نقش‌های اجتماعی مدرسه

۷۷. از شواهد این موقعیت روایتی است که روزی ملا علی کنی در مسجد مروی شیخ جعفر مجتهد شوشتری را برای نماز مقدم شمرد و با طلاب و دیگران پشت او نماز خواند و همین موجب شد تا فردای آن روز تمام مردم شهر برای نماز خواندن پشت سر شیخ جعفر هجوم آوردند (عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۱ (تهران: زوار، ۱۳۴۱)، ۳۳۲).
۷۸. محبوبی اردکانی، چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، ج ۲، ۶۹۰.
۷۹. اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ۶۸۱.
۸۰. ساموئل گرین ویلر بنجامین، ایران و ایرانیان (تهران: گلبانگ، ۱۳۶۳)، ۴۹۹-۵۰۰.
۸۱. اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ۵۴۳.
۸۲. همان، ۱۶۷ و ۶۹۳.
۸۳. ابراهیم تیموری، عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران (تهران: شرکت نسبی اقبال و شرکاء، ۱۳۳۲)، ۱۲۴.
۸۴. علی کنی، «وقف‌نامه مدرسه مروی».
۸۵. اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ۱۳۳.
۸۶. همان، ۵۹۵.
۸۷. اعتمادالسلطنه، المأثر والآثار، ۱۹۳.
۸۸. همان، ۲۴۲.
۸۹. همان، ۲۴۶.

در ریاست مدرسه، دلایل دیگری هم موجب کسادی مدرسه مروی و کل مدارس علوم دینی بود: رواج مدارس جدید و گسترش موج انتقاد از مدارس قدیم و از طرف دیگر فساد در آنها و موقوفاتشان. در همین زمان در موقوفات مدرسه مروی تصرف بسیاری شد. در باغ مقابل آن دبیرستان دختران ساخته شد که طلاب مدرسه مخالف و دیدگاه روشنفکری با آن موافق بود.<sup>۱۲۷</sup> هم‌زمان با این رکود به کالبد مدرسه هم بی‌توجهی شد که کمی بعد موجب تخریب برخی قسمت‌ها و تغییرات ناهنجار کالبدی، از جمله تغییر جلوخان و ورودی و ایجاد سقف شیروانی روی مدرس شمالی، آن شد.<sup>۱۲۸</sup> (نک: ت ۶).

## نتیجه

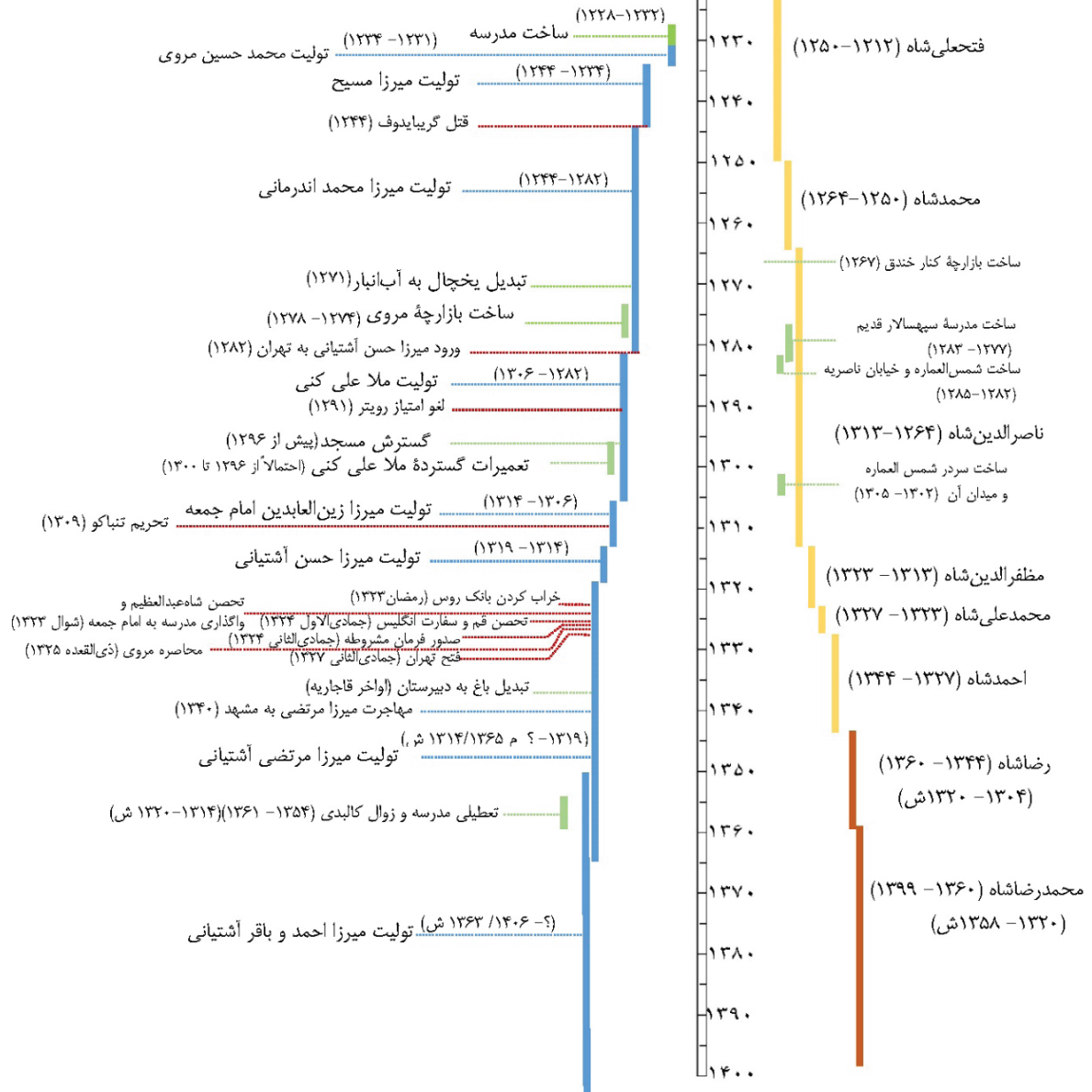
مدرسه مروی از مهم‌ترین مدارس تهران در دوره قاجاریه بود که شیوه ساخت، اداره، جایگاه آموزشی، و نقش اجتماعی‌اش بیانگر روابط پیچیده علما و حکومت و تأثیر آن بر رابطه درهم‌تنیده فضاها و فعالیت‌ها و روابط انسانی در مدرسه در بستر شهر بود. از این‌رو مدرسه در طول حیاتش موجودیتی ثابت نداشت؛ به‌مرور دگرگون شد و در هر دوره نقش اجتماعی خاصی داشت. مدرسه مروی در ابتدا شامل فضاهایی با کارکردهای مختلف از جمله مسجد بود که با هدف آموزشی و تأمین امکانات زیست‌طلب ساختن شد. با تغییرات اطراف مدرسه و بستر مذهبی و اجتماعی جامعه، زمینه برای تغییر ترکیب فضایی مدرسه فراهم شد. با ساخت بازارچه کنار خندق و تبدیل شدن «شارع عام» به «خیابان» و ساخت بازارچه مروی، مرکزی محلی و شهری برای مدرسه و بستر مناسب گسترش مسجد فراهم شد. با گسترش مسجد بخشی از مدرسه تبدیل به گونه فضایی دیگری شد که، برخلاف مدرسه، اساساً برای خدمت به عموم مردم بود. در واقع از این دوره است که می‌توان «مسجد» و «مدرسه» را

به مجموعه مروی اطلاق کرد؛ درحالی‌که پیش از آن چنین نبود و مسجد صرفاً بخشی از فضای مدرسه بود و بیشتر مکان عبادت جمعی طلاب محسوب می‌شد. این تغییر عمده فضایی بر فعالیت‌های مدرسه هم اثرگذار بود. «امام‌جماعت» نقشی مهم در میان مناصب شد و اساساً نقش اجتماعی مدرسه اهمیت یافت و کارکردهای جدیدی به آن اضافه شد، که درعین حال طلاب مدرسه را هم به خود جذب کرد. در دوره مشروطه نقش اجتماعی و مذهبی مدرسه تقویت شد؛ با ساخت خیابان ناصریه که محل استقرار برخی روزنامه‌ها و مطبوعات بود، میدان شمس‌العماره که پس از ساخت از مهم‌ترین میدان‌های شهری و مرکز بسیاری از رویدادهای مشروطه بود، و وجود مدرسه سپهسالار قدیم در کنار مدرسه مروی که از پایگاه‌های علمای مردمی و مشروطه‌خواهی بود، همه این موارد، نقشی ویژه به مدرسه در حوادث مشروطه بخشید و آن را به مرکزی سیاسی تبدیل کردند. در واقع مجموعه تغییرات فضای شهری و ترکیب فضایی مدرسه ظرفیتی برای گسترش نقش اجتماعی مدرسه در طول دوره قاجاریه فراهم و آن را از مهم‌ترین مراکز آموزشی این دوره کرد، که گرچه در ابتدا هدف اصلی آن تحصیل بود، اما در انتهای دوره قاجاریه فعالیت آن منحصر به «آموزش» و رکن اصلی آن «مدرسه» نبود؛ بلکه به واسطه «مسجد» نقش اجتماعی مهمی یافت، که بر زندگی طلاب و عملکرد مدرسه بسیار اثرگذار بود. این دگرگونی‌ها در کالبد و فضاها رابطه‌ای متقابل با حضور متولیان قدرتمند و ثروت و نفوذ و جایگاه مدرسه داشت، ثروت و جایگاه بالاتر امکانی برای گسترش فضایی فراهم کرد و این گسترش خود موجب اهمیت بیشتر مدرسه شد. در همین وضعیت درهم‌پیچیده بود که مدرسه، در همه وجوه، در اواخر دوره قاجاریه رو به افول رفت و کسادی آن در «مسجد» و «مدرسه» بروز یافت.





۹۰. علی کنی، «وقفنامه مدرسه مروی».
۹۱. همان؛ نک: ت ۱ و ۵.
۹۲. عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۱، ۳۳۲؛ قهرمان میرزا سالور، روزنامه خاطرات عین السلطنه، ج ۲، ۱۱۲۹.
۹۳. اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ۱۰۵۹.
۹۴. همان، ۱۳۳.
۹۵. علی کنی، «وقفنامه مدرسه مروی».
۹۶. اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ۱۳۳.
۹۷. علی کنی، «وقفنامه مدرسه مروی».
۹۸. مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۱، ۳۰۱.
۹۹. منصوره اتحادیه (نظام مافی)، «جنايت و مكافات: مسئله امنیت در تهران عصر ناصری و وظایف پلیس». در اینجا تهران است: مجموعه مقالاتی درباره تهران ۱۲۶۹-۱۳۴۴ قی (تهران: نشر تاریخ ایران)، ۱۲۳.
۱۰۰. اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ۱۰۵۹.
۱۰۱. علی کنی، «وقفنامه مدرسه مروی».
۱۰۲. همان.
- ت ۷. مدرسه مروی و سرگذشت آن در دوره قاجاریه، ترسیم: نویسندگان.





## References

- Abadiyan, Hosein. "The development of Shiehi conceptions in Ghājār era". *Shi'a Studies (Quarterly Theology, History and Sociology of the Shiite World; The institute for shia studies)*, vol. 8, Issue 1, no. 29 (Spring 2010): 143-192. (In Persian)
- Afshar, Iraj. *History office: collection of historical documents and sources*. Tehran: publication of Dr. Mahmud Afshar Endowments Foundation, 2001. (In Persian)
- Ahmad Mirza Qajar. *Tarikh-e Azodi (History of the Azdi family)*. With explanations and additions by Abdolhossein Navaei. Tehran: Elmi Publication, 1997. (In Persian)
- Ahari, Zahra "Chaharbagh Street of Isfahan, a new concept of urban space". *Golestan Honar (The Quarterly Periodical of the Iranian Academy of the Art (ARIA))*, vol. 2, Issue 3, no.5 (Autumn 2006): 48-59. (In Persian)
- Akbari, Zaynab and Javad Neystani. *Architecture of Religious Science Schools of Qajar Period in Tehran*. Tehran: Armanshahr publication, 2011. (In Persian)
- Azhdeh, Majid. *Marvi seminary and its role in contemporary history*. Tehran: Imam Sadiq University (AS), 2010. (In Persian)
- Bakhshi, Moosarreza. *The school and its scientific and social effects in the Safavid era*. Tehran: Yasin Noor publication, 2013. (In Persian)
- Balaghi, Abd-ol-hojjah. *Selection of Tehran history*. Tehran: Maziar publication, 2007. (In Persian)
- Benjamin, Samuel Greenwheeler. *Iran and Iranians: memoirs and travelogue of Samuel Greenwheeler Benjamin, the first American ambassador to Iran in 1883-1885 AD*. By the efforts of Rahim Rezazadeh Malek. Tehran: Golbang publication, 1984. (In Persian)
- Dolatabadi, Yahya. *Hayat-e Yahya*. Tehran: Attar publication, 1992. (In Persian)
- Elahi, Amirsaed. "School of Tehran". *Ettela'at-e Hekmat va Ma'refat (The scientific-specialized Journal information of wisdom and knowledge)*, vol. 5, Issue 11, no.59 (February 2011): 20-25. (In Persian)
- Etamadossaltaneh (Etamad al-Saltaneh), Mohammad Hasan Khan. *Diaries of Etamadossaltaneh newspaper. Related to the years 1292 to 1313 AH from the only copy available in the Astan Quds library*. Edited by Iraj Afshar. Tehran: Amirkabir publication, 1966. (In Persian)
- \_\_\_\_\_. *Forty years of Iran's history during the reign of Naseraddinshah (Naser al-Din Shah): Volume 1: Al-Ma'ather val-Asar*. Edited by Iraj Afshar. Tehran: Asatir publication, 1995. (In Persian)
- Ettehadie, Mansoore (Nezam Mafi). "Crime and Punishment: The issue of security in Tehran during the Nasrid era and the duties of the police". In *Here is Tehran: a collection of articles about Tehran 1269-1344 AH*, Tehran: Nashr-e Tarikh-e Iran Publication, 2016. (In Persian)
- Habibollah Al-Sharif Al-Kashani. *Labab al-alqab fi al-qab al-atiyab*. Research by Nezar Al-Hassan, Javad Barakchian and reference by Sheikh Hossein Al-Sharif. Qom: publication of Shia Bibliography Institute, 2015. (In Persian)
- Haji Qasemi, Cambiz, editor. *Ganj-Nameh: Encyclopaedia of Islamic Architectural Works of Iran, third book: religious buildings of Tehran*. Tehran: Scientific Publication Center of Shahid Beheshti University, 1998. (In Persian)
- Kasravi, Seyed Ahmad. *Constitutional history of Iran*. Tehran: Amir Kabir Publication, 1945. (In Persian)
- Khoshnoodi, Effat (correcter). "Endowment's letter of Maryam Begum School". *Waqf, Miras-e-Javidan (Endowment Quarterly, Eternal Legacy)*, vol. 19, Issue 2, no.74 (Summer 2011): 111-132. (In Persian)
- Library of Congress website. <https://www.loc.gov/item/2009582796/>
- Majd-ol-Eslam Kermani, Ahmad. *The history of the decline of the parliament: a chapter in the history of Iran's constitutional revolution*. Introduction and Annotation by Mahmood Khalilipour. Isfahan: Isfahan University press, 1972. (In Persian)
- \_\_\_\_\_. *Kalat's travelogue: a corner of Iran's constitutional history*. Introduction and Annotation by Mahmood Khalilipour. Isfahan: University of Isfahan press, no date. (In Persian)
- Maleki, Ahmad and Ahmad Khorsandi Aghaei. *Qanat in Iran; Case study: Aqueducts of Tehran city*. Tehran: Urban Planning and Processing Company, 2005. (In Persian)
- Mehboobi Ardakani, Hossein. *Forty years of Iran's history during the reign of Naseraddin (Naser al-Din) Shah. C2: Hossein Mehboobi Ardakani's commentaries on Al-Ma'aser va Al-Asar*. Edited by Iraj Afshar. Tehran: Asatir Publication, 1995. (In Persian)
- Mir Mohammad Sadegh, Seyyed Sa'eed "Marvi Mosque and School". *Mosque*, vol. 5, no. 29 (1996): 70-83. (In Persian)
- Mohammad Andramani "Endowment's letter of Marvi School". In *The letters of Marvi School's endowments*, manuscript. Tehran: Marvi School Library. (In Persian, Unpublished)
- Mohammad Hossein Marvi. "Endowment's letter of Marvi School". In *The letters of Marvi School's endowments*, manuscript. Tehran: Marvi School Library. (In Persian, Unpublished)
- Mokhtari, Eskandar. "The evolution of the urban landscape in Jalokhan Square of Shams-ol-Emareh". *Athar (The Journal of Iranian Cultural Heritage Irization)*, vol. 16, No. 25 (April 1996), 99-151. (In Persian)
- Molla Ali Kani. "Endowment's letter of Marvi School". In *The*
۱۰۳. اسکندر مختاری، «سیر تحولات سیمای شهری در میدان جلوخان شمس العمارة»، ۱۱۹.
۱۰۴. مجید رهنما، (و.)، شرف شماره‌های ۱ تا ۸۷، ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۹ هجری قمری و شرافت شماره‌های ۱ تا ۱۳۱۴ تا ۱۳۲۱ هجری (تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۰۰).
۱۰۵. اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، ۱۹۱.
۱۰۶. سالور، روزنامه خاطرات عین السلطنه، ج ۲، ۸۹۳.
۱۰۷. اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ۹۳۶.
۱۰۸. سالور، روزنامه خاطرات عین السلطنه، ج ۲، ۱۰۹۴ و ۱۳۷۳.
۱۰۹. همان، ج ۱، ۴۳۵ و ج ۲، ۱۱۷؛ اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، ۲۰۴.
۱۱۰. پسر امام‌جمعه سابق که تولیت مدرسه مروی را پیش از میرزا حسن آشتیانی داشت.
۱۱۱. محمد مهدی شریف کاشانی، واقعات اتفاقیه در روزگار، ج ۱ (تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲)، ۲۹.
۱۱۲. سالور، روزنامه خاطرات عین السلطنه، ج ۳، ۲۳۶۰.
۱۱۳. شریف کاشانی، واقعات اتفاقیه در روزگار، ج ۱، ۳۷-۳۸.
۱۱۴. احمد مجدالاسلام کرمانی، سفرنامه کلات (اصفهان: دانشگاه اصفهان، بی‌تا)، ۳۶۱.
۱۱۵. عبدالحسین سپهر، مرآت الوقایع مظفری، ج ۲ (تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۶)، ۱۰۱۴.
۱۱۶. همان، ۱۰۸۸؛ احمد کسروی، تاریخ مشروطه ایران (تهران: امیرکبیر،





- ۱۳۳۴، ۱۸۸.
۱۱۷. محمد ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۳ (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۴)، ۴۷۸.
۱۱۸. عبدالحسین سپهر، مرآت الوقایع مظفری، ج ۲، ۸۲-۱۰.
۱۱۹. همان، ج ۱، ۳۳۲.
۱۲۰. منظور مدرسه سپهسالار جدید یا نصری است. این مدرسه گرچه در ابتدا تحت حمایت شاه بود اما در جریان مشروطه از مهم‌ترین پایگاه‌های مشروطه خواهان شد.
۱۲۱. یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۲ (تهران: عطار، ۱۳۷۱)، ۱۸۳.
۱۲۲. ایرج افشار، دفتر تاریخ: مجموعه اسناد و منابع تاریخی، ج ۱ (تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۰)، ۳۳۹.
۱۲۳. سالور، روزنامه خاطرات عین السلطنه، ج ۴، ۳۱۳۰ و ۳۱۴۹.
۱۲۴. شریف کاشانی، واقعات اتفاقیه در روزگار، ج ۲، ۴۳۵.
۱۲۵. سالور، روزنامه خاطرات عین السلطنه، ج ۶، ۴۸۴۳.
۱۲۶. مجید آزده، حوزه علمیه مروی و نقش آن در تاریخ معاصر، ۳۰۸: مرتضی رسولی و حسین خطیبی، «گفت‌وگو و خاطرات»، تاریخ معاصر ایران، ش. ۶ (تابستان ۱۳۷۷): ۲۵۴.
۱۲۷. مستوفی، شرح زندگانی من، ۲۴۹. مجدالاسلام کرمانی، تاریخ انحطاط مجلس (اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۵۱)، ۱۷۰-۱۶۹.
۱۲۸. آزده، حوزه علمیه مروی و نقش آن در تاریخ معاصر، ۴۴۷.

letters of Marvi School's endowments, manuscript. Tehran: Marvi School Library. (In Persian, Unpublished)

Mostofi, Abdollah. *Narration of my life or the social and administrative history of the Qajar period*. Tehran: Zavvar Publication, 1962. (In Persian)

Mo'tamedi, Mohsen. *Historical geography of Tehran*. Tehran: Markaze Nashre Daneshgahi (University Publishing Center) 2006. (In Persian)

Movahhedi, Abdollah. *Molla Habibollah-e Sharif Kashani "Faqih-e Farzan"*. Qom: Islamic Propaganda Office, 1997. (In Persian)

Nasiri Moghaddam, Mohammadnader (editor). "Endowment's letter of Chaharbagh School of Isfahan". *Waqf, Miras-e-Javidan (Endowment Quarterly, Eternal Legacy)*, no. 8 (Winter 1994): 112-118. (In Persian)

Nasr, Seyyed Hossein. "Wisdom in Tehran: A review of the philosophical views of the Tehran School". *Khrodname Hamshahri*, no. 3 (June 2006): 30-32. (In Persian)

\_\_\_\_\_. "The Philosophical and Mystical Area of Tehran". In *Tehran: Geography, History, Culture*, 99-108. Tehran: Nashr-e Kitab-e Marja publication (Reference book publication), 2009. (In Persian)

Nazem-ol-Eslam-e Kermani, Mohammad Ebn-e Ali. *The history of the awakening of Iranians*. Tehran: AmirKabir Publication, 2005. (In Persian)

Ostadi, Reza. *List of manuscripts of Marvi School library in Tehran (one thousand and fifty copies)*. Tehran: Marvi School Library, 1992. (In Persian)

\_\_\_\_\_. (Correcter). "Endowment's letter of Marvi School in Tehran". *Waqf, Miras-e-Javidan (Endowment Quarterly, Eternal Legacy)*, no. 13 (Spring 1996): 56-71. (In Persian)

Pirniya, Mohammad Karim and Gholamhossein Memarian. *Getting to know the Islamic architecture of Iran: inner-city and outer-city buildings*. Tehran: Iran University of Science and Technology press, 1999. (In Persian)

Qara'ati, Hamed. "The Role of Religious Places in the Social and Political Discourses of Qajar Era, Case Study of Tehran". *History of Islam (Quarterly scholarly of Baqir al-Olum University)*, vol. 15, Issue 4, no. 60 (Winter 2014): 171-198. (In Persian)

Rahnama, Majid (Ed.). *Sharaf numbers 1 to 87; 1300 to 1309 AH and Sherafat numbers 1 to 66; 1314 to 1321 AH*. Tehran: Islamic Revolution Publishing and Education Organization, no date. (In Persian)

Rasooli, Morteza and Hossein Khatibi. "Dialogue and memories: scientific, literary and academic institutions of Tehran and cultural celebrities of Iran before Shahrivar 1320 and after". *Quarterly Contemporary History of Iran*, vol. 2, Issue 3, no 6 (Summer 1998): 92-251. (In Persian)

Ritter, Markus. "Moscheen und Madrasabauten" in Iran, 1785-1848, *Architektur zwischen Rückgriff und Neuerung*. Leiden: Brill, 2005.

Roshdieh, Shamsoddin. *Savaneh-e Omr*. Tehran: Nashr-e Tarikh-e Iran Publication, 1362. (In Persian)

Saloor, Ghahreman Mirza. *Einossaltaneh (Ein-al-Sultaneh) diary*. by Masood Salur and Iraj Afshar. Tehran: Asatir Publication, 1995. (In Persian)

Sepehr, Abdolhossein. *Mer'at-ol-Vaghayeh Mozafari*. Edited by Abdolhossein Navaei. Tehran: The Research Institute of Written Heritag, 2007. (In Persian)

Shahribaf, Jafar. *old Tehran*. Tehran: Mo'en Publication, 2004. (In Persian)

Sharif Kashani, Mohammad Mehdi. *Accidental events in the days*. by the efforts of Mansooreh (Nezam Mafi) Ettehadie and Cyros Sa'advandian. Tehran: Nashr-e Tarikh-e Iran Publication, 1983. (In Persian)

Shirazian, Reza. *Guide to historical maps of Tehran*. Tehran: Dastan Publication, 2012. (In Persian)

Teymoori, Ebrahim. *The age of ignorance or the history of privileges in Iran*. Tehran: publication of Eqbal and Partners Company, 1953. (In Persian)